

کارگران و زحمتکشان
متحد شوید

مبارزه ضد امپریالیستی
جد از مبارزه برای
دمکراسی نیست

سازمان چریکهای فدایی خلق ایران

۲۰ صفحه ۳۰ ریال

چهارشنبه ۲۷ خرداد ۱۳۶۰

سال سوم شماره ۱۱۴

مقاله
دوجنبه نتایج
تحولات اخیر

حول اوضاع ماخصان سرعی کسه
انظارین می رفت نجران دروسی همینست
حاکمه را به نظه ای سنار خاسن واو -
حنای طیعی، سوئی داده است. حسیرت
جمهوری اسلامی که از مدنیان سن منطیور
حق اسرازی خود سناست طرد لیسیرالها
ار حاکمیت وقیحه سما می مواج اطلعی
قدرت دولتی دردسگاه بوروکراسیک-
نظامی موجود را درینس گرفته بود طبق
یک برامه حساب شده بی قدر را ار -
بقیه در صفحه ۲

یورش گسترده حزب جمهوری اسلامی، و مبارزات توده ها

نطق خمینی که در آن به صراحت بی قدر
مورد حمله قرار گرفته بود به سنا سنا
"فتوای" جهت یورش نهایی حزب سنا
مواضع لیسیرالها محسوت کست، و دروسی
آن حملات او حکیرنده حزب جمهوری اسلامی
به توفیق نبریات لیسیرالها، غیر فاسونی
اعلام شدن دفترهما هتکی، لایحه، حذف نظر
رئیس جمهور در مورد مصوبات مجلس
(لایحه ای که بی قدر را محسور میکند در
مورد مصوبات عادی در عرض ۵ روز در
مورد مصوبات فوری در عرض ۴۸ ساعت
آنرا امضا کند) و در نهایت عزل بی سی
مدرا ز فرماندهی کل قوا منجر شد.
با بدد نظر داشت که تبعضات وسیع
حزب جهت اسغان سما می مواج قدرت
و بدست گیری یکبارجه حاکمیت در عین
حال که بی کتلی بلاواسطه کینا رینها دن
لیسیرالها را مورد نظر دارد، اما مقدمه ای
است جهت تشدید یورش یکبارجه و سرکوب
وسیع، جنس خلق و در را س آن نیروهای
مترقی.

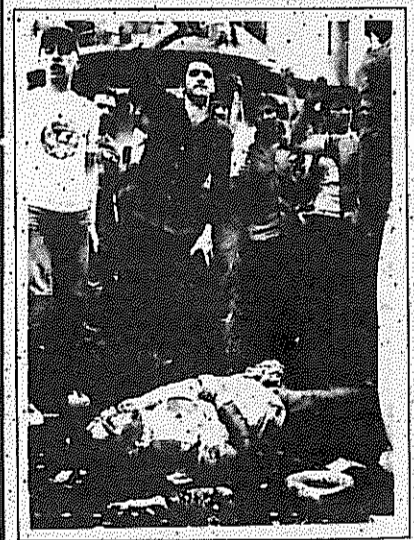
بقیه در صفحه ۱۷

در هفته گذشته ما هد یورش همه جا سنا
حزب جمهوری اسلامی جهت تخته سما می
اهرمهای قدرت بودیم. سنادهای دو -
جناح با سرعی تکفیر آور به اوج خود
رسید و نطق آیت الله خمینی نقطه
پایانی بر مرحله رشد آرام آن نهاد.

**"میزان" نه رأی
مردم بلکه رأی
آیت الله خمینی
است!!**

صفحه ۳

تظاهرات گسترده و خشونت بار در تهران علیه سرکوب و اختناق



سندان اما خمینی سه شنبه ۱۹ خرداد ۱۳۶۰
حدیخوناً سخته شده، مغربسرون فتاده
ارکا سدر و فریا دونفرت مردم
آنا سناوسی با صحنه های دوران قیام
خوسین بوده ها در مقابل رژیم سنا دارد
بقیه در صفحه ۱۹

- در این شماره**
- جنبش کارگری
 - جنبش جهانی
 - از میان نامه های کارگران
 - آفاق امپریالیستام جاسوس بود!
 - خاودان باد خاطر در قو حد کوازا

باند های سیاه رژیم جمهوری اسلامی

صفحه ۱۳

کار
فوق العاده
خبری منتشر می شود

نابود باد امپریالیسم جهانی بسرکردگی امپریالیسم آمریکا وپایگاه داخلیش

دوجنبه نتایج تحولات اخیر

پس از آنکه در ماه آبان ۱۳۵۹، مأموران رژیم در تهران و سایر مراکز استانها، دستگیریهایی گسترده انجام دادند، مبارزان فدائی و چریکهای فدائی خلق ایران، با استفاده از روشهای نوین مبارزه، در برابر اقدامات رژیم ایستادند. در این میان، مبارزان فدائی و چریکهای فدائی خلق ایران، با استفاده از روشهای نوین مبارزه، در برابر اقدامات رژیم ایستادند. در این میان، مبارزان فدائی و چریکهای فدائی خلق ایران، با استفاده از روشهای نوین مبارزه، در برابر اقدامات رژیم ایستادند.

در این میان، مبارزان فدائی و چریکهای فدائی خلق ایران، با استفاده از روشهای نوین مبارزه، در برابر اقدامات رژیم ایستادند. در این میان، مبارزان فدائی و چریکهای فدائی خلق ایران، با استفاده از روشهای نوین مبارزه، در برابر اقدامات رژیم ایستادند. در این میان، مبارزان فدائی و چریکهای فدائی خلق ایران، با استفاده از روشهای نوین مبارزه، در برابر اقدامات رژیم ایستادند.

در این میان، مبارزان فدائی و چریکهای فدائی خلق ایران، با استفاده از روشهای نوین مبارزه، در برابر اقدامات رژیم ایستادند. در این میان، مبارزان فدائی و چریکهای فدائی خلق ایران، با استفاده از روشهای نوین مبارزه، در برابر اقدامات رژیم ایستادند. در این میان، مبارزان فدائی و چریکهای فدائی خلق ایران، با استفاده از روشهای نوین مبارزه، در برابر اقدامات رژیم ایستادند.

در این میان، مبارزان فدائی و چریکهای فدائی خلق ایران، با استفاده از روشهای نوین مبارزه، در برابر اقدامات رژیم ایستادند. در این میان، مبارزان فدائی و چریکهای فدائی خلق ایران، با استفاده از روشهای نوین مبارزه، در برابر اقدامات رژیم ایستادند. در این میان، مبارزان فدائی و چریکهای فدائی خلق ایران، با استفاده از روشهای نوین مبارزه، در برابر اقدامات رژیم ایستادند.

در این میان، مبارزان فدائی و چریکهای فدائی خلق ایران، با استفاده از روشهای نوین مبارزه، در برابر اقدامات رژیم ایستادند. در این میان، مبارزان فدائی و چریکهای فدائی خلق ایران، با استفاده از روشهای نوین مبارزه، در برابر اقدامات رژیم ایستادند. در این میان، مبارزان فدائی و چریکهای فدائی خلق ایران، با استفاده از روشهای نوین مبارزه، در برابر اقدامات رژیم ایستادند.

حاکم و ارتجاعی نخستین رسالت خود را با سازی ارتش و احیاء حیثیت برسد. رفتن آن قرار میدهند، از همین روست که پس از قبام دیدیم که چگونه ضداقلاب - کوشیده درگیر کردن ارتش در سردهای برکنده نخستین گامهای عملی را در زمینه با سازی آن بردارد و اسامی درونی را با ابدان بازگرداند، اما آنچه که بیش از همه به با سازی و اعاده حیثیت برآمد رفتن ارتش مدبران آنها با جنگ ایران و عراق بود. از یکسو ارتش در این جنگ به طور کامل با سازی شد و از سوی دیگر با سرانگیزش شدن احساسات شونیستی تودهها حیثیت و اعتبار مجددی کسب نمودی جهت نیست که فرماندهان ارتش در تمام بخش تلوژیونی خود این همه از محضات جنگ در با سازی ارتش سخن گفتند، اکنون - ارتش آمادگی لازم را برای سرکوب تودهها با یافته است و چنین بنظر میرسد که حزب جمهوری اسلامی تلاش میکند، استکا را عمل را در دست گرفته و هر چه زودتر با عراق طح کند و ارتش را بسوی سرکوب همه جا نبسته تودهها و در وهله نخست علیه خلق قهرمان کرد سو قدود، سپس بر تمام همه جا نبسته خود را برای سرکوب سازمانهای انقلابی و تودههای سراسری ایران پیش برد.

این یک جنبه نتایج تحولات اخیر در ایران است. جنبه نتایج تحولات اخیر در ایران است. جنبه نتایج تحولات اخیر در ایران است. جنبه نتایج تحولات اخیر در ایران است. جنبه نتایج تحولات اخیر در ایران است.

این یک جنبه نتایج تحولات اخیر در ایران است. جنبه نتایج تحولات اخیر در ایران است. جنبه نتایج تحولات اخیر در ایران است. جنبه نتایج تحولات اخیر در ایران است. جنبه نتایج تحولات اخیر در ایران است.

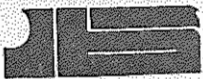
این یک جنبه نتایج تحولات اخیر در ایران است. جنبه نتایج تحولات اخیر در ایران است. جنبه نتایج تحولات اخیر در ایران است. جنبه نتایج تحولات اخیر در ایران است. جنبه نتایج تحولات اخیر در ایران است.

لیبرالها بر تمامه های وسیعی را تدارک - دیده اند خود را بعنوان آلترنا تیبو قدرت تنویدها معرفی میکنند، اما باید در نظر داشت که تودهها اگر چه تجربیات خود را آرام آرام جذب و هضم میکنند، اما با جذب و تجربه ای هیچگاه آنها را فراموش نمیکنند و در عمل بکار می بندند، لیبرالها دیگر با توجه با وضعی موجود تجربیات تودهها نمیتوانند به عنوان آلترنا تیبو قدرت باشد، اینجا است که نقش نیروهای انقلابی بویژه بیگمترین آنها در واقع بحران کنونی خود را نشان می دهد، از یکسو واقع بحران می باشد، ناراضی روز افزون تودهها، اعتلا - میا رزات آنها و ضرورت ایجاد یک قطب انقلابی که بتواند اعتماد تودهها را کسب کند و از سوی دیگر بورژوازی بی دربی ضد انقلابی و ظالمانی عظیم و تاریخی را در برابر نیروهای انقلابی قرار داده است. با بدبیا تمام نیروها مکاتبات به معنای بله با شرایط کنونی و با سخگوشی با آن برخاست، اکنون به تنهایی با بدبیا لانه در میا رزات نشود انگیزه تودهها علیه حاکمیت شرکتی است بلکه آنها را به معنای بله با سیاستهای ضداقلابی و ارتجاعی حاکمیت فراخواند تحقق و موفقیت این امرها نمونگی که ما مکرر بر آن تاکید کرده ایم مستلزم ایجاد یک بلوک انقلابی است. اگر امروز نیروهای انقلابی گامهای عملی و جدی در این زمینه برندارند، اگر نتوانند تودههای ناراضی و سرگردان را بسیج کنند، اگر آنها اقدامات عملی در جهت تسریع پروسه رشد هر چه گسترده تر میا رزات خود انگیزه تودهها، انجام ندهند، فردا دیر خواهد بود و نه این یا آن سازمان بلکه همه نیروهای انقلابی در برابر تاریخ توده های مردم مسئولند. اما ضرورت اتحاد - همه سازمانهای انقلابی و مترقی قبل از هر چیز محتاج یک سیاست است. هدف مشخص است که بدون آن این اتحاد در لحظه کنونی نمیتواند صورت پذیرد. بنا بر این، این وظیفه همه نیروهای انقلابی است که در جهت ارائه یک پلتفرم که بتواند تندیروها های انقلابی و مترقی را طی یک مرحله در جهت نائل آمدن به هدف معینی متحد کند، گام بردارد. ما به سهم خود تلاش خود را در این زمینه بکار گرفته ایم، و در اولین فرصت شعار لحنه کنونی و تا کنون که استیک خود را ارائه خواهیم داد. اما تا هنگامیکه سازمان شعار لحنه کنونی، تا کنون و پلاتفرم خود را ارائه ندهد، هر سازمان سازمان نباید منتظر بمانند، باید در میا رزات توده های مردم - کرد. هواداران سازمان باید بکوشند ضمن شرکت همه جانبه در میا رزات خود بخودی - تودهها سطح مبارزه و شعارها را ارتقا دهند، رفقای هواداران باید در حالیکه لبه تیز حملاتشان بتوجه حزب جمهوری اسلامیست بطرح شعارهایی علیه اختناق و سرکوب و به دفاع از آزادیهای سیاسی و حقوق دموکراتیک تودهها بپردازند، شعارها و شیوههای در پیرامون - تداوم انقلاب طرح کنند و نمونه های ایسین شعارها تا کنون در دسترس کاروانهایمانیهای سازمان ارائه ندهند. است. علاوه بر این به علت شرایط بحرانی موجود هواداران - سازمان باید با استکا را خود در هسته های چند نفره که قدرت تحرک لازم را داشته باشد، متشکل شوند. رهنمودهای خود را از نشریه کاروا علامه ها یا سازمان بگیرند و با هم میکانیکی که در اختیار دارند در اختیار آنها، اعلامیه ها و نشریات سازمان را تکثیر و توزیع کنند.

این یک جنبه نتایج تحولات اخیر در ایران است. جنبه نتایج تحولات اخیر در ایران است. جنبه نتایج تحولات اخیر در ایران است. جنبه نتایج تحولات اخیر در ایران است. جنبه نتایج تحولات اخیر در ایران است.

این یک جنبه نتایج تحولات اخیر در ایران است. جنبه نتایج تحولات اخیر در ایران است. جنبه نتایج تحولات اخیر در ایران است. جنبه نتایج تحولات اخیر در ایران است. جنبه نتایج تحولات اخیر در ایران است.

این یک جنبه نتایج تحولات اخیر در ایران است. جنبه نتایج تحولات اخیر در ایران است. جنبه نتایج تحولات اخیر در ایران است. جنبه نتایج تحولات اخیر در ایران است. جنبه نتایج تحولات اخیر در ایران است.



آیا فقط امیرانتظام جاسوس بود؟

بالاخره پس از ۱۵ ماه از دستگیری - امیرانتظام و ویس از دو ماه تشکیل جلسات متعدد محاکمه و بیش از دو هفته شور و مشورت امیرانتظام به حبس ابد محکوم شد. آنجا که در این دادگاه گسوسه‌ها طی از حقایق پشت پرده نمایان شد و بیش از پیش ما هیت سردمداران رژیم جمهوری اسلامی آشکار گردید، لازم دیدیم به نکاتی چند از جریان محاکمه اشاره کنیم.

توسلی شهردار پیشین تهران که بعنوان شاهد در دادگاه امیرانتظام - حضور یافت، در دفاع از وی سخنانی ایراد کرد که عمق بی اعتقادی حکومت جمهوری اسلامی و سرانشر را به توده‌ها نشان می‌دهد و بیش از پیش ما هیت هر دو جناح، حزب جمهوری اسلامی و لیبرال‌ها را بنیابش می‌گذارد. او می‌گوید: "... اصل ارتباط (منظور با آمریکا و سفارت است) مورد تأیید و ضروری است حتی بیامیبر هم با کفار مکه ارتباط داشتند و از دشمن کسب خبر می‌کردند، قبل از پیروزی انقلاب بسیاری از شخصیت‌های کنونی مملکت بر اساس همین ضرورت با مقامات سفارت آمریکا و سفارتخانه‌های دیگر ارتباط داشتند و این مطلبی است که در رسانه‌های گروهی تصریح و اعلام شده، نه تنها آقای مهندس بازرگان ارتباط داشته‌اند، آقای دکتر بهشتی، آقای موسوی اردبیلی و دیگران هم ارتباط داشته‌اند..."

(میزان) چهارشنبه ۱۳ خرداد او در ادامه سخنانش می‌گوید: "... در این دادگاه محترم شهادت می‌دهم که اطلاعاتی که از این افراد می‌گرفتیم برای برنامه‌ریزی مبارزات قبل از پیروزی انقلاب بسیار مفید و موثر بود، به ما واقع بینان و چشم باز میداد." (هما نجا) (لازم به تذکر است که این سخنان در شرایطی عنوان می‌شود که آقایان مرتبط با سفارت هم‌اکنون هریک در یکی از مهمترین و حساسترین - پستهای مملکتی مشغول به انجام وظایف است و توسلی باوقایع فیر قابل تصور بوده گونه‌ای ردیلاشته این ارتباط را امری ضروری و لازم برنامه‌ریزی انقلاب جلوه میدهد. آقای توسلی به شیوه‌ای استادانه و در حالیکه ساپیرشکای جرم‌آوری شما رد اعتراف می‌کنند که در شرایطی که توده‌ها در مقابل گلوله‌های ارتش مزدور شاه سینه سپری کردند و میرفتند تا نظام منقر پهلوی را اساساً در هم ریزند، آقایان مکتبی و لیبرال هریک بگونه‌ای بر سر کسب دستا ودهای خونین توده‌ها در سفارت آمریکا چانه می‌زدند و جهت بیعت آوردن سر - نوشت توده‌ها با ما مورسین سیا مشورت - می‌کردند و دیدیم که حاصل این معاملات - سازش دوجناح و توقف انقلاب توده‌ها از کار در آمد، سازمان ما درست در شرایطی که این بقدرت خریدگان زمان ما مورسین بدست گرفتند دست به افشای آنها زد. از جمله در کارشما ره ۱۳۰۱۱ اسنادی از معاون نخست وزیر و سخنگوی دولت موقت یعنی امیر انتظام منتشر کرد ما در آن اسناد، نام شرکت‌های متعلق به امیرانتظام از جمله شرکت آهودشت، ایران پلانینگ و سهام او را در دستوران "پارادیز" بر شمر دیدیم و به درستی متذکر شدیم که او یک سرمایه‌دار وابسته است و طبیعی بود که در جریان

قیام برای حفظ منافع مشترکش - امیرالستها مرتبط با شما در آن - روزها که حزبون مکتبی و شرکای جرم آنها هنوز تضادهایشان جدت و شدت نیافته بود مصراحت از او بدفاع برخاستند و حتی پس از آنکه اسناد مربوط به وی از سفارت آمریکا افشا شد آقای هاشمی رفسنجانی که در آن روزها در مقام سرپرستی وزارت کشور قرار داشت طی مصاحبه‌ای با روزنامه کیهان گفت: "اسنادی که راجع به امیر انتظام فاش شد نشان دهنده جاسوسی ایشان نیست".

اگر امروز حزب جمهوری اسلامی با دست یافتن بر تمامی ارگانهای قدرت و بسه جنگ آوردن امکانات تبلیغاتی از جمله رادیو تلویزیون و روزنامه‌ها، فرصت می‌یابد تا پس از ۱۵ ماه از دستگیری امیر انتظام بالاخره او را بسخاکمه کشد و زائده‌ها پیش از جمله مجاهدین انقلاب اسلامی را بر علیه او بموضع گیری بکشد تا مسأله واقعیت اینست که سران حزب جمهوری اسلامی بهمان میزان لیبرال‌ها شریک جرم و مرتبط با جاسوسان آمریکا بوده‌اند. بی جهت نیست که در مراسم مراسم امیر انتظام "شرکت در توطئه انحلال مجلس خیرگان در مقابل ولایت فقیه" عنوان میشود چرا که اگر تکیه اصلی بر جاسوسی با دشمنان حزب نیز کمتر از وی مقصر و مجرم نیستند.

اگر امیرانتظام با ژوژیکوکاران - سفارت و نماینده‌های ارتباط داشته‌اند، آقای بهشتی با هوایز ملاقات کرده است. اما علیرغم همه پرده‌پوشی‌ها مردم قهرمان ایران هم حزب جمهوری و هم لیبرال‌ها را مقصر و مجرم میدانند و نگاه که خلش حق کمیت خویش را برقرار سازد تا مسی جاسوسان و سازشکاران را به محاکمه خواهد کشید.

حادثه زلزله گلباف ... بقیه از صفحه ۲۰

باشد، جان خویش را از دست دادند و بیاض شدت مجروح و مدموم گردیدند. این حادثه در شرایطی اتفاق می‌افتد که ۲ میلیون از زحمتکشان میهنمان بدنبال جنگ ارتجاعی ایران و عراق هم‌اکنون آواره و سرگردا نند و خلق قهرمان گرد بخاطر خواستهای برحقش در مقابل سرکوبگران - رژیم جمهوری اسلامی یعنی ارتش و پاسداران مزدور و همچنان قهرمانانه مقاومت می‌کنند و بیگاری و گران و نبود مسکن ... و پیدا می‌کنند و خنق و سرکوب سرمایه به حقوق دموکراتیک توده‌ها و آزادیهای سیاسی بعدی گسترده یافته است. اما علیرغم تمام فشارها، سرکوبها و تلاش رژیم برای جلوگیری از آگاهی زحمتکشان هواداران سازمان که همواره بر اساس وظایف انقلابیمن عمل می‌کنند همچون گذشته موظفند ضمن کمک رسانی مستقیم به توده‌های زلزله زده، آنان را به حقوق واقعی‌شان آگاه ساخته و با طرح شعار "تشکیل شوراهای لزوم ایجاد ایمن گونه‌شوراهای جهت دریا فت کمکهای مردم و توزیع عادلانه آن بین تمام زحمتکشان منطقه زلزله زده توضیح دهند.

«میزان» نه رأی مردم، بلکه...

بقیه از صفحه ۱
آیت الله خمینی که تا کنون کوشیده بود خود را در چهره مدافع حقوق مستضعفین مدافع حقایق رای توده‌ها، و پشتیبان آنها نشان دهد، همراه با بحران سیاسی اخیر مجبور شد تمام برده‌ها را بکنار ببرد و زود ما هیت واقعی خود را غریبان بسه نمایش بگذارد.

آیت الله خمینی که بیش از این دهها بار خود را "خادم مردم" و تابع رای آنها معرفی کرده بود، در نطق اخیر خود نشان داد که هرگاه "رای ملت" رود روی رای - آیت الله خمینی قرار گیرد، میزان نه رای "ملت" بلکه رای آیت الله خمینی است. او که امروز بیش از همیشه خود و رژیم جمهوری اسلامی را در خطر سقوط و نابودی می‌بیند برده‌ها را بکنار می‌زند و هیچگونه ابائی ندارد که فریاد دیر - آورد و به توده‌ها هشدار دهد، حتی اگر ۳۶ میلیون مردم در مقابل "قانون یعنی رای هیئت حاکمه قرار گیرند، او بسه تنهایی بنا مدافع آزادی جمهوری اسلامی در مقابل آراء همه مردم خواهد ایستاد. آیت الله خمینی سال اخیر را سال قانون اعلام کرده است، و همه را بر عایت این "قانون" فرا میخواند، بنا بر این او خود را موظف میداند که در دفاع از "قانون" جمهوری اسلامی یعنی قانونی که حافظ و حامی منافع سرمایه‌داران، زمینداران، استثماریگان، غارتگران، انگلها و چپا و لگران است، بتوده‌ها هشدار دهد، ۳۶ میلیون مردم را به مبارزه بطلبد، اما قرا موش می‌کنند که اراده مردم و آراء آنها بالاتر از هر قانونی است. توده‌ها تنها قانونی را رعایت می‌کنند، و با آن احترام - می‌گذاردند، که بسا نگر منافع آنها باشد، تنها این قانون مقدس است، نه قانونی که بیان اراده و خواستهای توده‌های مردم نیست، نه قانونی که ذره‌ای به خواستهای توده‌های مردم پاسخی نمی‌دهد، نه قانونی که چمچاق مشروعیت استثماریگان و ستمگران - باشد، نه قانونی که هرگونه اعتراض بر حق و قانونی توده‌ها را سرکوب کند، نه قانونی که آزادیهای سیاسی و حقوق دموکراتیک توده‌ها را از آنها سلب نماید، نه قانونی که مجوزی برای سرکوب دکه داران، سرکوب اعصاب کارگران و کشتار روویران کردن خانه‌های زحمتکشان باشد. خیر، بهیچوجه یک چنین قوانینی نمی‌تواند مورد تأیید و احترام توده‌ها باشد و آیت الله خمینی بیهوده می‌کوشد، توده‌ها را بر عایت چنین قوانینی فرا خواند و آنها را تهدید کند. حتی اگر آیت الله خمینی یک درس از سر تکونی رژیم شاه می‌آموخت بخود جرات نمی‌داد که این چنین بسی مهالای رای خود را بر ترازی ۳۶ - میلیون مردم قرار دهد.

اما همه‌گونه‌ها توده‌ها در مبارزه - علیه رژیم شاه نشان دادند که اراده و رای آنها بالاتر از هر رای و قانون دیگریست، بکبار دیگر نیز نشان خواهند داد که هیچ رایی بالاتر از رای آنها نیست.

جنبش کارگری



توطئه مدیر کارخانه پوست و چرم لرستان برای اخراج کارگران مبارز

۲ سال تعطیل متیود، در این موقع باسازان به حمایت از مدیر و برای تحلی از او وارد کارخانه میشوند. سرس از تعطیلی کارخانه و بیکار شدن باعث می شود که کارگران از خواسته های خود عقب نشینی کنند. آن به سرکار بر می گردند و مدیر با حمایت از کارکنان سرکوبگر، کارگر را با اخراج می کند. به این ترتیب یکبار دیگر سرمایه داران با استفاده از آتاکا هیو پراکنندگی بی کارگران، آنها را قریب داده و به استعمار هر چه بیشتر آنان می پردازند. اما کارگران در خواستند تا فکری که با دست محدود و یکبار به مقابله برخیزند و با اتحاد شورایی انقلابی از حقوق واقعی خویش دفاع کنند.

در تاریخ ۶۰/۳/۲۹ مدیر کارخانه پوست و چرم لرستان اعلام می کند که کارگران باید تا راس ساعت ۱۰ بعد از ظهر کار کنند، اگر کارگری سرپیچی کند اخراج می شود. کارگران روز بعد به زوال گذشته ساعت ۱۱/۵ دست از کار کشیدند. مدیر به قسمت با فین رفته و به کارگران برخاست می کند کارگران در مقابل او می ایستند. ۳/۱۱ مدیریت اعلام می کند که یکی از کارگران قسمت با فین از کارخانه اخراج است. کارگران قسمت تهدید به اعتصاب می کنند آنها به دفاع از کارگر میوریدار خسته و در مورد مدیر افشاگری می کنند. مدیریت به شیوه دیگری متوسل می شود. او اعلام می کند که به علت کم کاری کارگران، کارخانه به مدت یک الی

اخراج مدیر عامل کارخانه بیانگر قاطعیت کارگران سایپا

کارگران مبارز کارخانه سایپا - تبریز اتحاد و همبستگی خود مدیر عامل کارخانه را روز چهارشنبه ۶۰/۳/۲۶ از کارخانه اخراج کردند. مبارزه کارگران همچنان ادامه دارد. کارگران مدیر عامل کارخانه سایپا که با اعمال فساد کارگری در این مدت خشم کارگران را برانگیخته بود قبلاً در کارخانه تاج پوشش و بنزخا ورنی - سز اقدامات زیاده بر علیه کارگران انجام داده بود. و در این مدت ۲۲ نفر از کارکنان را اخراج کرده بود در مقابل هر خواست برحق کارگران به شیوه تهدید و اهراب و سرکوب متوسل می شد با حمایت کارگران، انجمن اسلامی کارخانه، جو تفتیش عقاید و خفقان را بر کارخانه حاکم کرده بود. کارگران و در رودستان با بیاری انجمن اسلامی با تمام قوا برای درهم شکستن مبارزات کارگران جهت دریا فت سودویژه، و تشکیل شورایی انقلابی تلاش می ورزیدند.

مبارزه کارگران را مهیا رزند. کارگران - از کارخانه کولر به اطاق اومی روند. او از ترس بر خود می لرزد، او خواهان صحبت با کارگران می شود. بلافاصله کارگران در سالن جمع می شوند و کارگران شروع به صحبت می کنند. در بین سخنانش اظهار می دارد که این حرکت کارگران کار را عموماً آبرو است تا که نهاد ایمرگ بر کارگران در کارخانه می پیچد. کارگران به او حمله کرده و او را با کتک تا در کارخانه می آورند و از کارخانه بیرونش می کنند. کارگران با اخراج کارگران در مضمون می شوند که امروز شنبه شورا می وقت را تشکیل دهند. مبارزه کارگران در اشکال گوناگون همچنان ادامه می یابد. روز سه شنبه ۶۰/۳/۲۹ در دستا نمی بیند بر احضار ۳۴ نفر از کارکنان کارخانه بخش می شود. همزمان با آن - پاسداران سرمایه به کارخانه یورش برده و کارخانه را در محاصره می گیرند. ۳۴ نفر دستگیر می شوند. جو پلیسی و خفقان بر فضای کارخانه حاکم می شود. کارگران با اعتراض خود علیه دستگیر شدن مبارزه را کمابان ادامه می دهند. حسابدار - کارخانه تعطیل می شود. ۸۰ نفر از دستگیر شدگان دست به اعتصاب غذا می زنند. بوشهری در دستا "انقلاب" به انفسران کارکنان کارخانه اخطار می دهد. اما کارگران در این مبارزه هیچگاه تسلیم نمی شوند. آنها پیگیر و مستمر، تلاش و مبارزه خود را بر علیه سرمایه داران و دولت حامی آنان ادامه می دهند. کارگران در عمل نشان دادند که به متافع خویش بتدریج آگاه شده و در مقابل هرگونه سیاست فساد کارگری به مقابله بر می خیزند. کارگران سایپا با عمل انقلابی خویش و تنها با اتکال به نیروی متشکل خود قادر خواهد بود اخراجیها را به سرکار بازگرداند و شورا واقعی خویش را که فقط از متافع کارگران حمایت کند تشکیل دهند.

اما کارگران با اشکال متنوعی مبارزاتشان را ادامه می دادند. نفرت و کینه ای که در این مدت در میان کارگران - انباشته شده بود همچون آتش زیر خاکستر زیاده می کشید. به لایحه در روز سه شنبه به بخشنامه ای مبنی بر عدم استفاده از مرخصی بدون حقوق و اخراج کارگرانی که ۳ روز غیبت داشته باشند در شاندر شد اقدام دیگری مدیر عامل تلاش برای اخراج ۱۲۰ نفر از کارگران (۵٪) پنج درصدی بود. این بخشنامه و سایر اقدامات فساد کارگری خشم کارگران را برانگیخت. کارگران به ظرف دقت - کارگران هجوم بردند. او از زهدت ترسین و زبونی در اطاقش را از پشت می بندد در این هنگام نما بندگاری را زشکار شورا و انجمن اسلامی زهدت خشم و نفرت کارگران چاره ای جز عقب نشینی نمی بینند آنها از اقدامات کارگران اظهار بی اطلاعی می کنند و کارگران را به حفظ آرامش فرا می خوانند اما هیچکدام از این اقدامات نمی تواند



نامه یک کارگر به رجبی

متن زیر نامه یک کارگر خطاب به محمد علی رجبی نخست وزیر رژیم جمهوری اسلامی ایران می باشد که برای ما فرستاده شده است. این نامه که به دنبال سخن رجبی در سمینار با صلاح بررسی مشکلات کارگری نوشته شده است، به خوبی ما را آگاه از این رژیم و سرمداران آن را افشاء می کند و هدف اینگونه سمینارها را بر ملا می بیند. این نوشته را که به نگرانی دهایی از اردوی کار بر علیه سرمایه بنا شده است تقاضای ترفیق کارگران عیناً "درج می - نما شیم.

آقای نخست وزیر!

شما در سمینار بررسی مشکلات کارگری گفتید: "فدا انقلاب در کارگاهها ما نوعی و کوشش کارگران می شود". آیا شما کارگران را بعد از انقلاب به حقوق اجتماعیشان رسانیدید؟ فدا انقلاب نگذاشت؟ آیا بنظر شما کارگران حق دارند طبق انسان زنجیری داشته باشند یا خیر. چیزیکه در این

بقیه در صفحه ۱۶

افزایش دستمزدها، قطع اضافه کاری، استخدام بیکاران

بهادنبوی: چاره درد توده‌ها قراردادهای امپریالیستی است!

بهادنبوی سخنگو و مغز متفکر دولت در مصالحه مطبوعاتی اخیر خود در توحید بستن قرارداد دستگیر و اسارت تالیوت گفته است "بیگان یا لایحه به موتورا احتیاج دارد. اینها راه را از هر طرف به روی دولت بسته اند. اینها با بستن قراردادها ایران را ناسیونال و تعطیل کنیم و این مذهب ارتدکس را رگرا بیگار کنیم تا آنها را هیمما می کنند و... و بیایند که با طرحی کارخانه را برای بیندازیم... (جمهوری اسلامی ۳/۱۹) و آنگونه که بروشنی از سخنان او و پیداست این طرح راه اندازی همان قرارداد تالیوت است. بخوبی روشن است که اگر عقد قرارداد تالیوت توسط بلندگوهای امپریالیستی و نیز زرقب دا خلی مکتبیون یعنی لیبرالها لونی رفت اصلا دولت بخود زحمت اینگونه توجیه ها را نمی داد و بی سودا قرارداد را می بست. آنچنانکه صدها قرارداد دیگر با ژاپن و کشورهای امپریالیستی اروپائی و آمریکا بسته شده. کوچکترین سخنی از آن نرفته است اما اینک که بهر صورت این قرارداد امپریالیستی لورفته و برای تمام توده ها روشن شده که چگونه دولت مکتبی دسترنج توده های زحمتکش را به چسب امپریالیسم انگلیس سرازیر میکنند. چگونه ایران اکنون سومین مشتری انگلیس در خاور میانه است و چگونه قرارداد افسانه ای تالیوت که از بزرگترین سفارشات در نوع خود است. شرکت امپریالیستی تالیوت را در هر شی از ورشکستگی یا زی می کند. مکتبیون اجبارا "به توجیه همکاریه های خود بسا امپریالیسم پرداخته اند.

آقای بهادنبوی قصدا ر بطوری و نمود کند که دورا به بیشتر موجود نیست یا تعطیلی کارخانه و در بدی و فقیرو فلاکت کارگران یا ادا مه وابستگی به امپریالیسم و تشدید آن حتما "از نظر آقای نبوی شاه خائن همکار ملا" حقیق داشت که تمام عرصه های اقتصادی سیاسی ایران را به امپریالیسم واگذار کرده بود زیرا در غیر این صورت و با این دلائل مجبور میشد همه کارگران را بیگار کند. اما بر هر کارگر آگاهی روشن است که آقای نبوی تا این حد هم ساده لوح نیست بلکه از این شکل قضیه منظور مشخصی دارد.

بهادنبوی به این طریق قصدا رد علنا "به توجیه با زسازی سیستم سرمایه داری وابسته توسط رژیم جمهوری اسلامی بپردازد. رژیم که در ابتدا سعی داشت به نزدیکی خود به امپریالیسم و با زسازی سریع سیستم سرمایه خورده سرمایه داری وابسته رنگ و لعاب مبارزه ضد امپریالیستی بزند. اینک پیش از قبیل

پرده ها را کنار زده و علنا "از وابستگی به امپریالیسم دفاع میکنند. اینک سردمداران رژیم تنه راه خروج جامعه از فقر، بیگاری، تورم و کمبود جنسها را تشدید و وابستگی به امپریالیسم و نمود می کنند و از آن دفاع می نمایند. در لایحه بودجه مبنای در آمد دولت بر فروش نفت (که عمده خریداران آن کشورهای امپریالیستی اند) نهاده شده و این سیاست "شاهانه" به بهانه رفع مشکلات اقتصادی برای توده ها توجیه می شود. ورود سرمایه آبر کالاهای مصرفی از کشورهای امپریالیستی، تمدید قراردادها می چون ساختمانی و تر و تراد و پتروشیمی با ژاپن توسعه تولید اتومبیلها می مونتاژی رنو، بیگان و... همه و همه علنا "از سوی سران رژیم مورد دفاع قرار می گیرد و بعنوان راه خلاصی از گرانی و بیگاری به خورد توده ها داده می شود.

از سوی دیگر نبوی می خواهد بدهد که کارگران را بی نظرو نمود کند که نیروهای مترقی و انقلابی که خواهان قطع وابستگی اند و بر ضد قراردادها و اسارت تالیوت تا تالیوت مبارزه میکنند بر ضد کارگران و خواهان بیگار شدن آنها هستند. اما کارگران نیز بر اثر ترس از بیگاری دریا فته اند که این سرمایه داری وابسته و حاکمان آنها هستند که دشمنان بیگانه بوده تمام شیرها نشان را به چسب گشا دا امپریالیستها سرازیر میکنند. کارگران و تمام توده های خلق میدانند که چگونه کشورها می چون ویتنام و کوبا تحت رهبری دولتی انقلابی توانستند گریبان خود را از چنگ امپریالیستها خلاص کنند و در این راه تنها بر بیگاری آنان افزوده نگشت بلکه کارگران نیز از جامعه ریشه کن گشت.

با پیدا آقایی نبوی پرسید رژیم جمهوری اسلامی در بیش از دو سال حکومت خود بجز شمشاد امپریالیستی چه حرکتی در جهت قطع وابستگی انجام داده است. چه برنا مه اقتصادی را علیه امپریالیسم به پیش برده است. رژیمی که قصد با سازی سرمایه داری را داشته باشد. رژیمی که سرمایه داری را به پیش برده است. سرمایه داری را به پیش برده است. سرمایه داری را به پیش برده است. سرمایه داری را به پیش برده است.

تنها و تنها حکومتی که مبتنی بر اراده کارگران و زحمتکش و حاکمی منافع توده ها باشد، حکومتی که سیاستهای خود را نه بر پایه منافع سرمایه داری، نه بر پایه بیگاری در آوردن سرمایه های وابسته بلکه بر پایه تأمین خواستها و نیازهای توده ها قرار دهد است که می تواند بسا خارج نمودن اقتصاد جامعه از دایره سرمایه امپریالیستی جهان را ایجاد و توسعه منافع ما در، با تکیا به قسدرت و

ابتکار کارگران و... به راهائی از چنگال امپریالیسم نائل شود. روشن است که تنها در چنین حکومتی - که فقط در زیر رهبری همه کارگران قهرمان ایران ایجاد شود - نه تنها خطر بیگاری هیچ کارگری را تهدید نمی کند بلکه تمام نیروهای آماج دهه کار جامعه نیز در راه تولید خلق، در راه تولید در خدمت منافع خلق بکار گرفته می شود. ما به آقای نبوی و دولت مکتبی می گوئیم، اگر واقعا "این کار خانات" این صنایع، معادن، گشتزارها و سایر شروتهای جامعه اینگونه برایتان ندرسد ایجاد میکنند گرا اینگونه راهتان از هر طرف بسته است ما و تمام کارگران و زحمتکش حاضریم در درستان را کم کنیم ما حاضریم در راه کنترل تمام کارخانجات مزارع، معادن و... را بعهده بگیریم و شما سرمایه داران را - که حافظ منافعشان هستید - از این درد سرخلاف کنیم.



بقیه از صفحه ۵

کارگران نمایند که... با اینکه همی میخواستیم که با نابودی شاه، ظلم و غارت نابود شود، بساط ساواک و تفتیش عقاید بر داشته شود، استعمارنا بود شود و منافع کارگران و زحمتکش هر چه بیشتر تامین گردد؟

شیراز

کارگران پیشرو شیراز علامه ای "در باره طرح طبقه بندی مشاغل" منتشر نموده اند. در این اعلامیه پس از اشاره به مراسم ارزشیابی که به کارکنان بر اساس تخصص و کارآیی و شایستگی متنازاتی میسازد، نوشته اند: "وقتی به نحوه دادن امتیازها اعتراض میشد (برای مثال اینکه سختی کار، نبودن هوا و نور در محیط کارگاه، تجربه و مهارت و... هیچکدام در دادن امتیازها در نظر گرفته نشده بود) در جواب وعده اجرای طرح طبقه بندی مشاغل داده اند و بعد از مدت ها وعده و وعیدها سرخرمن اینک دست به تهیه این طرح زده اند، طرحی که کارکنان هیچگونه دخالتی در تهیه آن نداشته اند. در ادا مه به ذکر مواردی که طرح طبقه بندی مشاغل با بدشامل شوم می کند، که به ذکر چند مورد آن اکتفا می کنیم: "کمترین دستمزد تعیین شده برای رده شغلی پایین با بدبرمینا حداقل هزینه زندگی باشد - کلیه مزایای حقوقی با بدجزء حقوق محسوب شده و به پای حقوقی اضافه شود - پای حقوقی کارکنان باید هرسال مورد بررسی قرار گیرد و ارتقا - باید - اجرا ی طرح طبقه بندی باید تحت نظارت و کنترل شورای کارکنان انجام پذیرد - قبل از تصویب طرح باید همه کارکنان در جریان طرح و ضوابط مربوط به آن قرار گیرند."

پرتوان باد جنبش طبقه کارگر پیشتر مبارزات ضد امپریالیستی - دمکراتیک خلقهای ایران

گراهی باد سالگرد انقلاب عمان



این پیروزیها از جمله عبارت بود از:

- پایان دادن به روابط عقب مانده اجتماعی بویژه برده داری و لگوکلیسه امتیازات قبیله ای، مبارزه با عادات و سنتهای طاغفهای عقب مانده و مضرو جایگزین کردن آنها بوسیله مفاهیم و ارزشهای مترقی (مانند لئو قوانین خونخواهی و قضاوت لئو مالکیت قبیله ای بر چراگاهها و آبها، برقراری حقوق مساوی میان زن و مرد و غیره)
- گسترش فرهنگ ضد امپریالیستی، ضد ارتجاعی در میان خلق عمان از راه مبارزه وسیع سیاسی با مظاهر عقب ماندگی وستم استعماری.

ایجاد ارتش و میلیشیا ی انقلابی خلق مشکل از کلیه نیروهای داوطلب برای شرکت در امرها میستمدیدگان تا سیس مدارس و مراکز بهداشتی در مناطق آزاد شده و مراکز تجمع آوارگان در یمن دمکراتیک

مبارزات خلق عمان بعد از سال ۱۹۷۰ همزمان بود با محول شدن نقش ژاندارمی امپریالیزم در منطقه به رژیم جنایتکار شاه. مردم آگاه ما بیاد دارند که چگونه تحت عنوان جلوگیری از گسترش کمونیسم و مبارزه با اصلاح خرابکاران و حتی شاه ارتش مزدورشان را به کمک قاپوس کسبل داشت و قاپوس بکمک اسن لرنش ضد مردمی با فرماندهانی چون فلاحی که امروزه جامعه اسلامی به تنگ کرده است طغیان را که تن به بدیرین فرقه های اونمی داد به خاک و خون کشید. آری فرماندهان ارتش ایران همی ها ئی که اکثرشان امروز در سراسر کسار خلق کردار فرماندهی می کنند، طی سه سال با هزاران تن بمب و کلوله مناطقی را طغارا مورد حمله قرار دادند تا مکران انقلاب را محاصره و بنا بود سازند. طی سه سال شاه، قاپوس، نکلیس، ملک حسین و دیگر سر نیروهای ارتجاعی با تمام قوا عملیات سرکوب و وحیانه را علیه خلق پیوسته بردند و با تحقق سیاست زمینهای سوخته توانستند به مناطقی استراتژیک مهمی در طغاردست با بند و انقلاب حضور نظامی خود را در بخش غربی طغارا زد دست بدهد. این شکست وقتی همراه شد با مجموعه های از ضعف های سیاسی، تشکیلاتی در جبهه بروز نوعی خودکشی در مردم و بر لرل در باره از عناصر و کادرهای جبهه را در برداشت. افرادی که دیگر تحمل مقابلت سیاسی دشواریهای نای اربا عطاخ خودشان خفت شکست را ندانند.

یکی از سختیهای جبهه در مواجهه با محله سازده می گوید: برای خلق فقیر

و عقب نگه داشته شده از نظر اجتماعا عسی همچون خلق ما بسیار مشکل است. دشمنی نیرومند در جبهه های متعددد بجننگد و از انحرافات و خطاها ئی که ممکن است گاهی بسیار هم خطرناک باشند مضمون بماند. ما یکسری خطاها در زمینه های مختلف سیاسی، طرح ریزیهای نظامی، در انتخاب شعارها مرتکب شدیم تا کاستیها ئی نیز در رابطه با خواسته های عملی جبهه متحد خلق، درهما هنگی برای ایجاد اشکال مختلف مبارزه و حتی در روابط میان اعضای جبهه داشتیم همه این خطاها با ضافه توطئه های امپریالیستی - ارتجاعی ما را وادار ساخت تا بخش غربی طغارا از دست بدهیم. دشمن (بدنیا ل این شکست) ما شین تبلیغاتی و اطلاعاتی خود را برای بهره برداری از مسائل درونی انقلاب و نفوذ در افکار عمومی محلی، عربی و جهانی بکار برداخت تا با آرا نه تصویري انحرافی از انقلاب برای نابودی آن و اشاعه ناامیدی و بی اعتمادی نسبت به آن در میان رزمندگان، میهن پرستان و توده ها بکوشد. در حالیکه ما تا پیش می کنیم که دشمن توانسته است نسبت به پیروزیهای مهمی بویژه در زمینه نظامی بدست آورد ما خود را نیز معترف است که هرگز نتوانسته است به هدف اصلی یعنی نابودی انقلاب و راندن آن به مذاکره سیاسی نایل آید. دشمن ارتجاعی - امپریالیستی ما می دانند که حضور سیاسی انقلاب و وجود یک استراتژی مبارزه مسلحانه خطری جدی برای منافس غارتگران و در منطقه بشمار می رود.

سالیهای مبارزه با تمام بستنی بلندبها پیش بمان نشان داده است که هدف بزرگمان یعنی تحقق آزادی و استقلال تنها از طریق فداکاری و یک نبرد توده ای طولانی و دشوار و همه جانبه صورت پذیرا است. خلق ما مصمم است که خود را برای این چنین نبردی آماده سازد. این موضوع در شعار اساسی جبهه طی کنکره ۱۹۷۵ (بعد از شکست) تجلی یافت:

"در راه تجهیز خویش از نظر سیاسی، ایدئولوژیک و نظامی و تشکیلاتی جهت ادامه جنگ انقلابی مبارزه کنیم"

سختگوی جبهه چنین ادامه می دهد:

به رغم مشکلاتی که هنوز بر سر راهمان قرار دارد قویا "و با قاطعیت انقلابی باقی خواهیم ماند و خود را از با تلافی که حوادث تا حدودی خارج از کنترل ما را بدان گنا ندیرون خواهیم آمد... ما قدمهای مهمی در ایمن راه برداشته ایم، ظرفیت بیشتری برای برخوردیه مسائلمان و نظر عمیق تری

روشن تری نسبت به حوادثی که در منطقه اتفاق می افتد پیدا کرده ایم. با استفاده صحیح و علمی از روشهای مبارزه ما می توانیم بر تمام مشکلات فائق شیم. سختگوی جبهه در ادامه مصاحبه مذکور راجع به اوضاع کنونی کشورش می گوید:

اوضاع اخیر کشور ما با حال است اشغال نظامی کاملاً آشکار، کنترول سیاسی، اقتصادی، بوسیله اشغالگران آمریکا ئی و انگلیسی و وجود یک رژیم دست نشاندۀ مشخص می شود. این اوضاع دوراه در مقابل خلق ما قرار می دهد، یا تسلیم، یا اادامه مبارزه تا کسب پیروزی نها ئی. انتخاب خلق ما بسیار روشن است زیرا ما مدت ها ست در مقابل تسلیم ایستاده ایم و قرار گرفتن تحت انقیاد استعمارگران و نوکران آنها را رد نموده ایم. خلق ما در ۹ ژوئن ۱۹۶۵ با آگاهی کامل از مسائل و دشواریهای این تصمیم را اتخاذ نمود. خلق ما با انقلاب مسلحانه این تصمیم خود را عملی می کنند و علی رغم مشکلات و عقب نشینیهای موقتی راه را ادامه می دهد ما بسروری درستی می خود منگی بر مبارزه مسلحانه همراه با سایر اشکال مبارزه تا کسب می کنیم و بار رهبری اندیشه انقلابی تا زمانی که آخرین سرباز خا رجی از سرزمین دوست داشتنی ما بیرون راننده شود و دژهای خیانتی که علیه خلق ما بکار گرفته می شود بنا بود گردد میسارزه خواهیم کرد.

انقلاب ۹ ژوئن طی ۱۶ سال گذشته با ایجاد روابط همبستگیی مبارزاتی با کلیه نیروهای ملی، دمکراتیک و انقلابی در منطقه عربی و نیروهای مترقی، و دوستدار دمکراسی و آزادی و صلح در سراسر جهان را پشتیبانی آنها برخوردار بوده است. در این میان جبهه خلق معتقد است که اتحاد میان انقلاب عمان و انقلاب یمن دمکراتیک اتحادی لازم نامه ای است که در آمیزش خونهای رزمندگان دو خلق برادر تعمید یافته است.

نیروهای انقلابی ایران بویژه سازمان مجاهدین خلق و سازمان همواره پشتیبانی خلقی و عملی خود را از انقلاب عمان اعلام داشته اند، فدائیان چون رفقا فرهاد سپهری و محمد علی سروری، و مجاهدانی چون رفعت افرا ز در طغارا ریشها دت رسیده اند.

انقلاب ایران و جنبش ضد امپریالیستی میهن ما نیز متقابلاً از کمکهای بیدریخ انقلاب عمان برخوردار بوده است. با یمردیهای خلقی بهرمان عمان در مقابل ارتش ضد خلقی شاه کمک بزرگی در افشای چهره رژیم پهلوی نمود. بیهوده نیست اگر خلق قهرمان طغارا در پیروزی خلق خود مستقیماً سهم بدائیم. ما تا بعد از پیروزی قیام خلق ما امکان خواهد یافت ما متقابلاً همبستگی عملی - سیاسی خود را با انقلاب عمان نشان دهد: رژیم

بقیه در صفحه ۱۶

مبارزه ضد امپریالیستی از مبارزه برای دموکراسی جدا نیست

مردم چه میگویند، مردم چه میخواهند؟

نا مه ها پیش را پاره کرده بودند . مردم به دور آنها حلقه زده بودند ، در این اثنا یکی از مفازه داران بیرون آمد و پرسید : چی شده ؟ یکی از فلالانها گفت : آقا ازش می پرسیم چرا روزنامه غیرقانونی میفروشی ؟ میگویم مردم میخرن ما هم میفروشیم ، من هم میگویم غلط میکنی میفروشی . مفازه دار که چکشی دردست داشت و مثل اینکسه از چندوچون قضیه با خبر بود فقط می خواست از زبان خود فلالانها در این نظر را مردم ، جریان را بشنود گفت : غلط تو کردی و اون دولت مکتبی ات ، و شروع کرد به کتک زدن حزب اللهی و بدنیال آن زد و خورد بین دوستان مفازه دار و مردمی که از فروشنده تشریح حمایت می کردند با حزب اللهیها با لاکر رفت ، را ننده اتویس طاقت نیاورد و پیاپی رفت و از یکی از فلالانها که از زیر مشت های مردم فرار کرده بود پرسید : چه خبره ؟ فلالان نفس نفس زنان و هراسناک جواب داد : کمونیستها ،

ا تو یوس شلوغ بود با از صحبت داغ ، چند زن در باره جنگ حرف میزدند ، سردی با بغل دستی اش از گران می نالید و دو جوان در باره دانشگاه و بسته بودن آن بحث میکردند ، را ننده اتویس هم بیست مسافر که نزدیکی اش پستاده بود حرف می زد ، می گفت دیروز توی میدان جمهوری دیدم که چند حزب اللهی در پناه پاسدار هنها با چاقو به چند دختر حمله کرده اند ، صورت دخترها خونین ، و ما لاین بود ، آقا کجا این چه مملکتی است که با وجود اینهمه فقیر و بیگانه رو اینهمه گرانی ، همسسه اقتاده اند دنبال اینکسه بیپیندگی کجا روزنامه میفروشد ، بریزند ، ورا بزنند ، مسافر که مخاطب صحبت را ننده بود گفت : آقا شما صحبت های دیشب آقا یهشتی را گوش کردید ؟ تازه خیر از سر کسب و بیشتر می داد ، را ننده گفت : آره خوب هر رژیم دوراه بیشترند ، ره با یادمردمی با شد با اینکسه با زور سر نیزه خودش را نیگردد ، صحبتها بر همین منوال ادامه داشت که اتویس پشت سر افیک گیر کرد ، در این موقع سروصدا با زبیرون توجه همه را بخود جلب کرد ، از ترا معلوم پرسی نشریه یکی از گروهها را می فروخته که سه فلالانها به وی حمله کرده و تعدادی از روز

کمونیستها را داریم میزنیم ، داغوشون می کنیم ، را ننده گفت : شما غلط می کنید و چند مشت جا نشانه سرو کله و کوبید و پشت فرمان نشست و راه افتاد ، مسافران که به هیجان آمده بودند تا مدتها از پنجره ها به بیرون خم شده و پشت سرشان را نگاه می کردند ، اتویس دیگر از صحنه درگیری دور شده بود که مسافر را ننده پرسید : آقا چرا اون بسره را کتک زدید ؟ را ننده گفت : برای اینکه اغتشاش بیجا کرده بود ، مردم جدا ، سؤال کرد : اون با کمونیستها ؟ را ننده جواب داد : با اونها و ابستان روزنامه میفروشن ، خوش نمیا دنخر ، اونها که نمیکن توی با جلود عوا کنیم ، این حزب اللهیها هستند که میرن دعا و آسوب بیجا می کنن ، این تلویزیون هم که هشت میگره شرا یط جنگیه ، اغتشاش بیجا نکنید ، در حالیکه همین خودشون هستن ، همین طرفدارن حکومتند که این همه بلوا درست می کنن ، انوقت هیچکس هم نیست که اینها رودستگیر کند ، جا فوکه دسته خودشون می بره ! مسافر مذکور که متوجه شده بود ، مسافران دیگر حرفهای را ننده را تا نثید می کنند ، ساکت شد و دیگر حرفی نزد .

جوان کمبود برق با فشار آوردن بر زحمتگشان

برق کمپ "بوفالو" به دستور فرمانداری قطع شد . بدنیال این عمل اداره برق ساکنان به فرمانداری فشار آورده و پس از ۳ ساعت ، دوباره برق کمپ را وصل کردند . اما فرمانداری در مواجبه مشکلات ساکنان کمپ و اعتراضات آنها ، دودوزه با زنی می کرد . بدین ترتیب که یکروز بعد از وصل مجدد برقی بی سوجه به گرمای کشنده جنوب و گرمای زدگی زحمتگشان ، ما موران شهر با نی و ارتش کولرها با ظاهرا به زور از کمپ بردند تا از این طریق به اصطلاح کمبود برق مقابله کنند .

دربی قطع برق کمپ "بوفالو" در ماهشهر ساکنان این کمپ به فرمانداری اعتراض کرده و موفق شدند مجدداً "برق را وصل کنند . این کمپ حدود صد خانوار را در خود جای داده است و جملگی از سیل زدگان سیل سال ۱۳۵۹ خوزستان هستند ، با فشار رسیدن فصل گرما یسوزنده خوزستان و استفاده از وسایل خنک کننده برقی ما نند کولر ، کمبود برق نیز بر سایر مشکلات ساکنان زحمتکش این منطقه اضافه شده است ، از این رو اخیراً

گزارشی از هجوم چماق داران و فلالانها به دهکده داران

بعد از ظهر روز ۴/۲/۶۰ حدود ۵۰ نفر از چماق داران به بساطیها روی بروی - خیابان دکتر قاطمی حمله کردند . بساطیها در این درگیری ابتدا موفق شدند فلالانها را فراری دهند ولی هر لحظه بر تعداد گروهها و فلالانها فزایش می شود ، در این درگیری که تا ساعت ۵ ادامه داشت ، تعدادی از بساطیها آسیب دیدند ، سپس چماق داران با میله آهنی ، چاقو ، شیشه و پنجه بگس به دهکده داران خیابان مصدق حمله کرده - و شروع به ضرب و شتم آنها و تخریب دهکده ها نمودند . حدود ۲۰ - ۳۵ دهکده آسیب دیده و ۷ نفر بوسیله چاقو و پنجه بگس زخمی شدند که اکثراً "به بیمارستان انتقال یافتند . روز ۵/۲ نیز مجدداً "چماق داران به دهکده داران خیابان مصدق حمله کردند ، در این حمله نیز عده ای بگس زخمی و حدود ۱۵ - ۱۰ دهکده آسیب دید . از مدتها قبل هجوم فلالانها و چماق داران به دهکده داران را دارا می دارد ، دولت ضد انقلابی بجای ایجاد کار برای بیکاران - هر روز مشت و اباش و ارازل را به سراغ آنها میفرستد ، در این میان دهکده داران برای اینکه بتوانند در مقابل اقدامات فلالانها و دولت حامی آنها در مورد تخریب دهکده ها مقاومت کنند باید تقویت شورای دهکده داران یکپارچه و متشکل ایستادگی نمایند .

حمایت کمیته ارومیه از زمینداران

ده است . جالب اینجاست زمانیکه روستایان در مقابل کمیته شعارمرگ بر زمینداران را می دادند ، زمینداران مزبور که خود در محل حاضر بودند نیشخندی می گفت : "اگر دوست شما آدم خوبی بود هرگز شکنجه نمی شد" و با این حرف خود حمایت کمیته از منافع زمینداران را بخوبی نشان می داد ولی دهقانان قریباً غایب از پایش نشینستند و بدست آوردن حقوق مسلم خود به مبارزات خود ادامه خواهند داد .

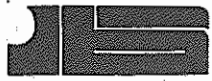
در تاریخ سوم اردیبهشت عده ای از مردم روستای قره باغ از توابع ارومیه مقابل کمیته مرکزی این شهر که متعلق به ملاحنی جلال معروف خلق گروترک است ، اجتماع کرده و می گفتند که یکی از زمینداران - بزرگ منطقه آب رودخانه روستای ما را به یونجه زا خود برگردانده و در نتیجه گندم های ما در حال از بین رفتن هستند ، و وقتی برای گرفتن حقمان زمیندار رفت خور ، اعتراض کرده ایم ، کمیته مرکزی کسی از اهالی را دستگیر کرده و مورد شکنجه قرار

انتشار سی سی لیک

با اسرو چند خبر و مطلب کوتاه است . ضمن آرزوی موفقیت برای این رفقا امیدواریم هر چه بیشتر در راه ارتقاء نشریه خود کوشا باشند .

سومین شماره سی سی لیک (چرقه) - نشریه هوا داران سازمان دریا بلسر منتشر شد . این نشریه حاوی مطالبی در باره بودجه (نقل از کار) - برخورد با حزب - بوده ، مقالای در باره شورای هماهنگی





جنبش جهانی

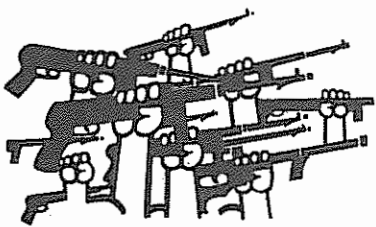
کارگری - رها بخش

السالوادور

سرکوب و فرم

دوروی یک سکه

کزارش کمیسیون حقوق بشر درباره -
السالوادور حاکی از آنست که از آغاز
سال جاری مسیحی تا کنون بیش از ۸۰۰۰ -
نفر از کارگران، دهقانان و سایر مردم
السالوادور توسط رژیم آخنتا و سرکوب
حاکم کشته شده اند. کمیسیون مذکور اعلام
داشته بسیاری از روستاها را زحمتکش
بر اثر اقدامات وحشیانه رژیم از مناسط
خود آواره می شوند. حدود ۳ هزار تن از این
روستاها که اکثر آنها را کودکان
تشکیل میدهند و در یک اردوگاه بصری
برند، دائماً در معرض کشتار قرار دارند
ارتش و سایر نیروهای مسلح خد خلقی -
بها نه با فتن چریکها و جلوگیری از پیوست
زارعین به انقلاب آنها را مورد حمله قرار
دا ده محصولات روستاها را طرف اردوگاه
را از بین می برند. این آمار در گزارش
منتشر شده است که شورا ایضاً انقلابی حاکم
ادعا می کند که خواستار رسیدن به راه حل
مسالمت آمیز با انقلابیون است و از جمله
می گوید و وعده اجازت شرکت جبهه دمکراتیک
انقلابی در انتخابات آینده این جبهه
را به سازش با خود می دهد. اینجاست که
اینجا است که می بینیم سرکوب و فرم دوروی
آنرا تشکیل می دهد.



و با صلاح برقرارینظم به انواع مختلف
قهروسرکوب از قبیل به خون کشاندن -
تظارات، دستگیری، تفتیش خانه ها،
اخراج کارگران و دانش آموزان و دانشجویان
دست زد. بعنوان نمونه:

۱۶۰۰ کارگر که در ۲۶/۳/۶۰ بعنوان اعتراض در
معا دن طلا تحصن نموده بودند در ۸/۳/۶۰ -
از کار اخراج شدند و کارگران دوشرکت
امبریا لیستی فایرستون و پورت الیزبت
در تاریخ ۶۰/۳/۶۰ پس از انجام یک گردهم -
آئی برای زکشت ۱۵۰ کارگر اخراجی
به سرکار، دست به اعتصاب زده اند.

- حدود ۲ هزار تن از دانش آموزان -
سیاه پوست در ۱۳/۳/۶۰ نظارات ضد
دولتی ترتیب دادند که پلیس بوسیله
با تون، گاز اشک آور و دستگاههای تعلیم دیده -
به متفرق کردن آنها ن میپردازد و سپس
۵۱ نفر را دستگیر نموده که بر اثر فشارهای
توده ای مجبور به آزاد کردن آنها می گردند.
پلیس نظارات دانشجویان بر علیه
تبعیض نژاد و بیستیمین سالگرد تاسیس
جمهوری سفید!! را به خون کشانده و
عده ای را دستگیر می نماید. والدین این
دانشجویان در اعتراض به این اقدامات
فاشیستی، راهپیمائی کردند.

- هزاران دانشجو و دانش آموز برای
مختل نمودن برگزاری این جشن کلاسها -
را تا پایان جشن تحریم نموده اند.

- همچنین پلیس برای دستگیری
رهبران جنبش و آرام کردن اوضاع! به
تفتیش خانه ها به دست زده است.
رژیم فریقای جنوبی در این جریان
۵ خبرنگار و فیلمبردار را نیز دستگیر
نموده است.

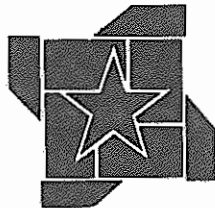
آفریقای جنوبی

جشن استقلال دروغین در آفریقای جنوبی و مبارزات توده ها

رژیم نژادپرست آفریقای جنوبی،
در حالی بیستیمین سالگرد با صلاح استقلال -
از انگلستان را جشن گرفت که، خلقهای
نامیبیا و ناسازنیان
تحت ستم و استعمار این کشور قرار گرفته
و این رژیم از جانب امپریالیسم جهانی
خصوصاً آمریکا و انگلیس حمایت می شود.
البته فضا حتماً و رسوائی بین رژیم -
اندازه ای است که حتی سا زمان ملل، این
توجیه گریسیاستها را امپریالیسم آمریکا
نیز جرات حمایت آشکارا از آنرا نداشته،
ظاهراً "و برای فریب افکار عمومی جهان
این کشور را تحریم اقتصاً دی نموده است.
(البته کمپانیهای نفت غربی همچنان به
این رژیم نفقت می فرورزند) و بی مورد -
نیست اگر چنین جشنی را با جشن استقلال
توسط رژیم مراکش و پاکستان، عمان و
بحرین مقایسه کنیم.

امسال در زوها نسبورگ یا بتخت
آفریقای جنوبی در اعتراض به برگزاری این
جشن موجی از موب گداریها، اعتصابات و
اعتراضات توده ای صورت گرفت. رژیم
آفریقای جنوبی نیز هما نندتاً می رژیمهای
ارتجاعی دیگر برای مقابله با این اعتراضات

شیلی



پایان پیروزمندانانه اعتصاب

۱۰۰۰۰ کارگر معادن مس

اعتصاب کارگران معادن مس
شیلی بعد از ۴۰ روزه پیروزی رسید
و دولت نظامی پیشنهادی در مقابل
خواست کارگران که ۱۲٪ اضافه
حقوق بود مجبور به عقب نشینی شد.
این اعتصاب که ۵۰ میلیون دلار به
دولت فاشیستی حاکم ضرر زد خود
حلقه ای از مبارزات انقلابی و رو
بر شد در شیلی است که بریستریجران
سیاسی - اقتصادی شیلی جریان -
دارد.

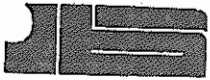
کواتمالا

قتل عام روستائیان

بدنبال کشته شدن ۳۵ نفر از مزدوران رژیم
لوکاس گارسیا در نبرد با انقلابیون -
سازمان خلق مسلح انقلابی (GRPA)،
دهکده جیمالیتنا نکو و اق در شمال غربی
کواتمالا برای دومین بار مورد قتل عام
مزدوران رژیم قرار گرفت. در ماه آوریل
گذشته ۲۴ دهقان و اینبار ۳۶ دهقان در
این دهکده قتل عام گشتند. خبر این
اقدام جنایتکارانه توسط رژیم دیکتاتور
لوکاس گارسیا بدین ترتیب اعلام شد که
عده ای ناشناس به دهکده حمله برده و
دهقانان را به قتل رسانده اند. اما چه
کسی است که ندهانها را در نظر گرفته روستاهای
قله تان، ایندرفا، و قارنا در کردستان
ایران بدست مزدوران ملاحسنی و -
حمایت نظامی و پاسداران جمهوری -
اسلامی قتل عام می شوند؟ روستاهای کواتمالا
نیز بدست ارتش فاشیست و گروههای شبه
نظامی وابسته به رژیم برای ایجاد رعب
و وحشت در دل خلقها، قتل عام شده است.

مستحکم باد پیوند جنبش طبقه کارگر و جنبشهای رهایی بخش

سراسر جهان



باند‌های سیاه رژیم جمهوری اسلامی

در کنار او خورده‌های ما چرا جو منجسط
بوررواری، ولگردان، سربازان مرخص
سده، سپهکاران ارزندان آزادشده،
زندانیان فراری محکوم به اعمال شاقه،
گلاهِ برداران، حقه‌بازان، گدایان،
جیب‌بران، ... قماربازان، ماجیبان
فا حه‌خانه‌ها، باربران و ... خلاصه تمام
این توده، میهم (بی‌شکل) و از هم گسیخته
که تلاش معاش پیوسته آنرا از این سو
به آن سو پرتاب میکنند ... گردآمده
بودند. (هجدهم بروملوئی بنا پارت -
مارکس)

شکل‌گیری باندهای سیاه همزمان
با حضور فعال توده‌ها در صحنه سیاسی جامعه
است. در آن زمان است که هر چیز مهمتر
توده‌ها را بر خود دارد و هر چیز بنام توده‌ها
است. از اینرو هیئت‌ها که نیز سرکوب
توده‌ها را بنا می‌آنها و در لوای حمایت
از منافع توده‌ها به پیش می‌برد. بقبول
ما رگس "بنا پارت" در جمعیت ۱۰۰۰۰ نفر
خود ۱۰۰۰۰ نفر ۱۰۰۰۰ نفر بیکار را گردآورد که
میبا یست نقش مردم را بازی کنند
(هما نجا تا کید از ما ست) حاکمیتی که
تا بحال حتی از نام توده‌ها برخود
میلرزید، بورژوازی که حضور توده‌ها در
صحنه‌ها و راه وحشت مرگ مینداخت اینک
با نام توده‌ها به سرکوب آن‌ها می‌پردازد
"هیئت‌ها که (که) تاکنون حتی از فکر
در باره قیام برخوردار نیستند، اکنون خود
اوقیای می‌های باندهای سیاه را سازمان
میدهد" (لنین - باندهای سیاه و ...)
و از این پس هر سرکوب، هر کشتار، ترویزه
هر حمله و وحشیانه، هر کتاب سوزان،
سرکوب نظاهرات و اعتراضات، بسخون
کشیدن میتینگ‌ها و ... همه و همه با نام
حمله "مردم شمشیر" به پیش برده میشود.
شکل‌گیری باندهای سیاه در زمانی
که بورژوازی قادر به حاکم گردانیدن
نظم خود بر جامعه نیست. توده‌ها چهارچوب
نظم بورژوازی را رعایت نمی‌کنند و
در برای قوانین بورژوازی گام می‌زنند
در اینجاست که دیگر سرکوب "قانونی"
نیز با سخگون نیست و حاکمیت بورژوازی
خود نیز با از چهارچوب قوانینی که
خود وضع کرده قرار نمی‌دهد و باندهای
سیاه را برای سرکوب سازمان میدهد.
این دستجات تابع هیچ قانونی بجز
قانون خود نیستند. حتی قوانین جاری
موجود را نیز به مسخره می‌گیرند و این بسدان
علت است که توده‌ها به پا خواسته و قوانین
ارتجاعی حاکم را با عمل مستقیم خود
به کناره رده اند، باندهای سیاه همواره با
ماشین دولتی دارای پیوسته‌ای رگاتیک
و تنگاتنگند. همواره مورد حمایت وسیع
پلیس و دستگاه‌های سرکوب بورژوازیند
و در پناه حمایت قانون "سرکوبی" خارج از
قوانین بورژوازی حاکم را شکل میدهند.
مثلاً در آرتین زمان پرونگروهای
فاشیستی نظیر "اس‌دو" و "وا" اتحاد
کمونستی آرتین "شکل گرفته و رشد
نمودند و پس از مرگ پرونگرو و وسیع
دست به کشتار و ترویزه انقلابیون زدند.

بقیه در صفحه ۱۴

وزارت کشور، کافی نخواهند بود -
(نقل از باندهای سیاه و سازماندهی
یک قیام - لنین) و آنگاه است که هیئت
حاکم مجبور میشود و در عین تقویت
نیروهای مسلح دائمی خود به بسیج
"ولگردان، افراد شرور، ... و شخصیت‌های
بدنامی مشابه آن‌ها که هیچگونه
محدودیت‌اداری را نمی‌پذیرند" (همانجا)
بپردازد. نمونه مشخص چنین پدیده‌ای
"باندهای سیاه" متشکله در زمان انقلاب
۱۹۰۵ روسیه بودند. در روسیه و جگیزی
مبارزات توده‌ها به حدی رسیده بود که
بقول لنین هیئت حاکمه درک کرده بود
که تمام جمعیت امپراطوری روسیه به یک
"دشمن داخلی" و "یای" بدل شده‌اند.
در چنین شرایطی عدم تکا فوی قدرت
سرکوب نیروهای مسلح "منظم" تزاریسیم
سازماندهی باندهای سیاه را در دستور
روز قرار میدهند. این باندها به ترویزه
کشتار و وحشیانه نیروهای انقلابی توده‌هایی
که به مبارزه روی آورده‌اند می‌پردازد. زنده
در ایران نیز بخوبی شاهد بودیم
پس از او جگیزی مبارزات توده‌ها -
زمانی که دیگر شاه خاشاک درک میکند
ماشین سرکوب تا دندان مسلحش برای
مقابله با "دشمن داخلی" یعنی توده‌های
بپا خواسته کافی نیست - به سازماندهی
دسته‌های جماعت را می‌پردازد. دسته‌های
که در شهرها می‌گردند، به توده‌ها یورش
می‌زنند - دست به کشتار و سرکوب می‌زنند
به سوزاندن کتابخانه‌ها و مساجد می‌پردازند
و ترویزه‌ها را به پیش می‌برند. واقعه
مسجد کرمان، راهپیمایی‌های جماعت‌ران
رستاخیزی - حملات وحشیانه به کتابفروشیها
و ... همه و همه نمونه‌های بارز از این
مساله‌اند.

"باندهای سیاه" عمدتاً "متشکل از
افراد و خورده، جامعه‌امین‌ها، ولگردان و اوپاش
هستند. افرادی که بر اثر فقر و فلاکت و فشارهای
اجتماعی، برای بدست آوردن لقمه‌ای
نان به هر سو کشیده می‌شوند. افرادی که
فرهنگ منحل حاکم بر آن‌ها دست زدن به
هرگونه اقدامی را آسان می‌سازد. مارکس
در مورد ترکیب جمعیت ۱۰۰۰۰ نفر که در
سال ۱۸۴۹ پس از فروپاشی نظام سلطنت
توسط بنا پارت بوجود آمده و سازمان
داده شد مینویسد: "این جمعیت در سال
۱۸۴۹ تشکیل شد. از لومین پرولتاریای
پاریس به بی‌سازمان تشکیل جمعیت ضربه
دسته‌های سری تشکیل شده بود که هر یک
از آنها بوسیله عمل بنا پارت رهبری
میشد. در این جمعیت در کنار رعایان
فاشور و شکسته‌ای که اصل و نسبشان
نا معلوم و وسائل گذران نشان مشکوک بود

اینک حملات دستجات فالانژ موسوم
به "حزب الهی" در کوچه و خیابان بصورت
یک واقعه روزمره درآمد است. مدت
زیادی است که با تشدید حملات فالانژها،
دیگر نه فقط نیروهای مترقی و مبارز
بلکه هر حرکت اعتراضی توده‌ها نیز مورد
وحشیانه‌ترین سرکوب قرار می‌گیرد.
هر روز در کوچه و خیابان می‌بینیم که
چگونه فروشنده‌گان نشریات انقلابی،
پخش کنندگان اعلامیه‌ها و ... مورد یورش
و ضرب و شتم قرار می‌گیرند. ترویزه‌های
انقلابی ابعادی تازه بخود گرفته‌است.
هر تحمیل و اعتصاب کارگری مورد یورش
"حزب الهی" قرار دارد و در دهه‌ها در آن
شدیدترین وجهی توسط "حزب الهی" مورد حمله
قرار می‌گیرند. وارگانی که جهت
بدست آوردن ابتدائی‌ترین خواسته‌ها
دست به حرکات اعتراضی می‌زنند به شدت
مضروب و مجروح می‌شوند و ... به ترویزه
باندهای سیاه در سراسر کشور تاخت و تاز
میکند و هر روز تعدادی بر قربانیان این
یورشهای وحشیانه افزوده می‌شود.

باندهای سیاه که نمونه‌های آنرا
در دستجات فالانژهای "حزب الهی"
می‌بینیم یکی از اشکال ابزارهای
سرکوب رژیمهای ارتجاعی است که در
شرایطی خاص شکل می‌گیرند. بورژوازی
آن زمان که - به دلیل - دیگر قادر
نیست با اتکال به ارگانهای سرکوب
"منظم" و "رسمی" و "دائمی" خود چون ارتش
شهربانی، ژاندارمری و ... حرکت
توده‌ها را مهار کند، به باندهای سیاه
متوسل میشود. با ید توجه داشت که
برخی اوقات در اثر جگیزی جنبش خلق
ابزارهای سرکوب بورژوازی تا حدودی
کارآئی خود را از دست میدهند و این مساله
به علت وجود قشار خلقی در لایه‌های
پائینی این ارگانها و جلب این لایه‌های
پائینی ارتش و شهربانی و ... به جنبش
توده‌ای آن‌ها در اثر خیزش‌های
سرکوب وارد می‌آید که بورژوازی قادر
به ترمیم سریع آن نیست در شرایط
خاص نیز ارگانهای سرکوب دارای آنچنان
خصوصیات فاشیستی لازم جهت اعمال
سرکوب منسجم جنبش توده‌ای نیستند.
در این شرایط است که "ا" و "هیئت حاکمه"
می‌بینند که جنبش انقلابی آن‌ها حدی که
وی قادر به جنگیدن با آن باشد، پیشتر
رفته‌است. همانطور که تاکنون برای
پیشبرد آن‌ها رزمی به تنهایی چنین بوده
است. او درک میکند که در مبارزه بر علیه
"دشمن داخلی" نیروهای مسلح دائمی

ترور، شکنجه، زندان به نفع غارتگران، آزادی سیاسی، شورای انقلابی، به نفع زحمتکشان

باندهای سیاه...

بقیه از صفحه ۱۳

نیروهای مترقی در دانشگاهها، کارخانها، مراکز علمی و حتی در بین ورزشکاران و دانشجویان عموماً اتحاد کمونیستی را برقرار کرده و در ۲۳ اردیبهشت ۶۰ ماه پیش از ۱۷ نفر را سرورسمودا ما در تمام دوران فعالیت های ترورستی این گروههای فاشیستی و باندهای سیاه، نه تنها هیچگونه دستگیری اتفاق نیفتاد و حتی کسی به عنوان مظنون نیز جلب نشد بلکه حتی مقامات دولتی از محکوم کردن این عملیات نیز خودداری نمودند. باندهای سیاه از حمایت مستقیم پلیس برخوردار نبودند و بعدها معلوم شد که تمامی آنها توسط "وزیرخانه اجتماعی" وقت رهبری می شود و مبلغ هنگفتی پول و اسلحه از طریق سفارت آمریکا و شرکت های آمریکا در اختیار دریافت می نمودند. با این وصف همواره رژیم های حامی باندهای سیاه سعی کرده اند در نظر توده های باندهای سیاه را مردمی و وظیفه شناس، مبین پرست و حامی قانون، مردمی که از بی نظمی ها خسته شده و عصبانیت جلوه دهند. اما در پی پرده چهره دیگری نهفته است، دستجاتی از اوپاوش که توسط حاکمیت به کثیف ترین شکلی تطبیع می شوند.

با وجودیکه سازماندهی باندهای سیاه باعث ایجاد خوفناک، وحشت، ترور و کشتار در جامعه میگردد. اما با این وصف نشان ضعف هیئت حاکمه است. شکل گیری باندهای سیاه در شرایطی است که سرکوب "قانونی" بعثت اوچگیری مبارزات توده ها، ضربه خوردن دستگاههای سرکوب و... ممکن و میسر نیست.

نطفه های باندهای سیاه سازماندهی شده توسط حاکم جمهوری اسلامی در قبایل قبا بسته شد. "رهبران" هر استان از اوچگیری جنبش توده ها قصد داشتند بهر حیل و آثر آنها را رها نمایند و در این راه نیروهای مترقی و سازمانهای انقلابی بخصوص کمونیستها را بر سر راه خود یافتند. در آن مقطع هنوز ارگانهای سرکوب در دست رژیم خائن پهلوی بوده و از این جهت سازماندهی باندهای سیاه بعنوان ارگانهای سرکوب رهبران لازم شد. هسته های اولیه حزب الله "مدتها قبل از قیام شکل گرفت. حملات "حزب الله" در ابتدا عمدتاً در شکل جلوه گیری از اشاعه شعارهای انقلابی و راهیما می نمودند و حمله به کسانی که سعی در ارتقاء شعار راهیما می نمودند داشتند جلوه میکرد. و در چند مورد نیز حملات سازماندهی فتنه ای به راهیما می نمودند و حتی به راهیما می نمودند. اما در این میان نیز به قصد دانشگاه صنعتی انجام شد و در آن حزب الله علاوه بر جاسوس و دشمنان چندین بار با اتومبیل و حتی کامیون به

میان صف تظاهرکنندگان بیورش برد. پس از قیام ارتش، شهر بانی و سایر ارگانهای سرکوب آنچنان ضربه خورده بود که با توجه به سطح مبارزات توده ها رژیم جمهوری اسلامی قادر به بازسازی سریع آنها نبود. در نتیجه سازماندهی باندهای سیاه اوج گرفت. اینبار رژیم با اسفنا ده ریودجه کلانی که از دسترنج توده ها به دست می آید و با سودجویی از تمام امکانات حکومتی به تطبیع و سازماندهی هر چه بیشتر و هر چه سریعتر دستجاتی از اوپاوش و لوگردان پرداخت تعداد بسیاری از لوگردان به جگسیران، چاقوکشها، جانباغیان و تیپه کاران، مجرمان آزاد شده و وا خوردگان جامعه را در دستجات مخفی و بعدها در سازمانهای سرکوب رسمی چون کمیته ها، سپاه یا سازمان و بسیج (که بسرعت از حالت خودجوش توده ای خارج شده به قبضه رژیم ضد انقلابی درآوردند و از نیروهای مردمی و مترقی تهی گشتند) سازمان داده شدند. بنا بر این مردم، بنام باندهای انقلابی، بنا بر ارگانهای مردمی مبارزات خلق را سرکوب کنند. جالب این جا است که با اصطلاح آزادخواهان امری! چون قطب زاده ویزدی خود سازماندهندگان باندهای سیاه بودند. و فقط پس از قبضه قدرت از سوی حزب بود که دستشان از این نهادها نیز کوتاه شد و تمامی سازماندهی، بسیج و تطبیع باندهای سیاه بدست حزب جمهوری افتاد.

در شرایط موجود، با وجودیکه رژیم بسرعت ارگانهای سرکوب آریامهری چون ارتش و شهر بانی را بازسازی میکند با وجودیکه ارگانهای سرکوب ویژه خود یعنی سیاه و کمیته ها را بشدت تقویت کرده اما با زهم بخوبی درک میکند که این ارگانها برای مقابله با مبارزات اوچگیرنده توده ها کافی نیست. اینک توده ها مهر خود را بر تمام حرکتات جامعه کوبیده اند و از نیروهای کمیت "مستضعفین"، حاکمیت پاره ها و حاکمیت "انقلاب" نیز مجبور است سرکوب خود را در لای نام توده ها پیش برد و از سوی دیگر چهره چوب های قانونی بورژوازی درهم ریخته است توده ها دروای مرزهای قانونی حامی سرمایه مبارزات خود را به پیش می برند. اعتراضات و اعتصابات و مبارزات آنان همه و همه در مقابل نظم مطلوب بورژوازی قرار داد و از اینرو سرکوب قانونی پاسخگوی مقابله با آن نیست. حاکمیت مجبور است به سرکوبی بی قانون، به ترور سیاه، به حملات فاشیستی و به سازماندهی باندهای سیاه بپردازد. در اینجا است که هر روز شاهدیوروشهای وحشیانه، ترور، شکنجه، شکل گیری خانه های امن و... هستیم ولی حتی یک مورد نیز مبارزات حزب اللهیها و فاشیست ها و... دیده نشده. در عین حال که سران حکومت نیز به حمایت علنی و بی دریغ از باندهای سیاه پرداخته آنها را "توده های مردم" مبارز و انقلابی می نامند.

بهشتی میگوید "در میان این نیروهای صمدی (یعنی حزب اللهی ها) کسانی هستند که از زور خشم و عصبانیت و دلسوزی به انقلاب برآشفته میشوند... خشمگین می شوند و درگیری می شوند اما هرگز انگیزه ای جز ننگیها نی از انقلابی که با خون خود عزیزان خود بدست آورده اند ندارند." (اطلاعات ۱۷ اردیبهشت ۶۰) و رجا ئی در سیمای جمهوری اسلامی میگوید "حزب الله همانها می هستند که... در مقابل گلوله ها سینه ها نشان را حاضر کردند." "حزب الله همانها می هستند که در ۱۷ شهریور، در اول محرم در تبریز و قسم در نقاط دیگر کشور به فرمان روحانیت متعهد و آگاه... از ادب میدان آمدند. حزب الله همانها می هستند که آگاهانه نه مراقتب انقلابند... تمامی این مسائل بخوبی ارتباط تنگاتنگ با باندهای سیاه موسوم به حزب الله و حاکمیت ارتجاعی را نشان میدهد. مسائل آنچنان روشن و ملموس است که دیگر حتی نیازی به اشاره اسناد و مدارک بدست آمده از باندهای سیاه، کارتهای سیاه، کارتهای بسیج و کمیته... نیست.

با وجودیکه رژیم جمهوری اسلامی همواره سعی کرده تا با بهره گیری از توده ها، آنان را نیز در مقابل نیروهای انقلابی قرار دهد، با وجودیکه همواره حزب الله سعی کرده با بهره گیری از تظاهرات و تجمعات توده های مردم را به مقابله با نیروهای مترقی بکشانند و در وجه غالب توده ها زهان ابتدائی نسبت به "حزب الله" نه تنها واکنش مثبتی نشان ندادند بلکه واکنشی (هر چند احساسی) مخالف داشتند زیرا در شعار "حزب فقط حزب الله شکل گیری حزب رستاخیز جدیدی را میدیدند. توده ها سیستم تک حزبی رستاخیزی را در پس این شعار می یافتند و در پی آن دیکتاتور و سرکوب مبارزاتشان را میدیدند با این وجود باندهای سیاه تا مدتی توانستند با نگاه به تالیات مذهبی توده ها، اقشار آگاه خلق را به خود جلب کنند. اما ما هیت ضد خلقی این دستجات برای اقشار نیز روشن گشت توده های خلق که در جهت بدست آوردن استقلال، کار، مسکن و آزادی قیام کرده بودند. بتدریج می دیدند که رژیم حاکم نه تنها خواستهای آنانرا برآورده نمی سازد بلکه در مقابل آنانرا ایستاده است. شوراها را سرکوب میکنند اعتراضات و تحصنها را بخون میکشند، بیگاری، فقر و گران شدن شدید شده و در عرض رژیم از منافق سرمایه داران و زمینداران حمایت می کند. توده ها هر روز بیشتر رژیم جمهوری اسلامی را در مقابل خود و سرکوب مبارزاتشان می یابند. اگر در ابتدای شکل گیری حزب الله فقط به سرکوب نیروهای مترقی میپرداخت اینک که توده ها هر روز بیشتر به مبارزه روی می آورند "حزب الله" به سرکوب و حرکت و اعتراض توده های میپردازد. تظاهرات کارگران بیگارتوسط

بقیه در صفحه ۱۶

سرکوبگران خلق کرد دشمن همه خلقهای ایران هستند



بناسبت سالگرد تولد رفیق چه‌گوارا (۱۶ آژون ۱۹۲۸ - ۱۹ اکتبر ۱۹۶۸)

★ جاودان باد خاطره رفیق چه‌گوارا



جنگ چریکی، یک جنگ خلقی، تعیین مبارز، توده‌ها است. بدون حمایت مردم به جنگ چریکی پرداختن، به معنای پیش رفتن به طرف یک فاجعه است. چنان‌که تا بدیر مسی با شد، و احد چریکی، پیشا هتک مبارزه خلقی است. . . . که ما بددر مبارزه خود مورد - حمایت توده‌ها و روستائی و کارگران - مناطقی قلمروئی که در آن کام می‌گذارند، قرار بگیرد. . . . در صورت فقدان این شرایط نمی‌توان به جنگ چریکی مبادرت ورزید" (متون نظامی ص ۱۳۲)

چه‌گوارا علیرغم تا کیدها و فیرا وانش بر جنبه نظامی، جنگ انقلابی را عملیات - عظیم سیاسی - نظامی که جنگ چریکی فقط جزئی از آنست، تعریف می‌کند و تکیه اش بر اهمیت کار سیاسی است بطوریکه پیشاهنگ را موظف میداند که به موازات عملیات نظامی با یدیه‌ها اعتلای کار توده ای شدید مبادرت ورزد. "سود و شوروریسم کشور نباید مورد استفا ده قرار بگیرد. اگر چه اینست که کار توده ای کرد. ایده آل انقلابی را در ذهن ها حک نمود و آنرا به مرحله پختگی رساند تا در لحظه موعود، توده‌ها بتوانند با کمک ارتش شورشی بسیج شده، کفه تر از ورا به سودا انقلاب خنکند. در این راه نباید از زمانها نهایی توده ای کارگری روستا ای که ایده آل انقلابی را در صوفو خا خود گذراند می‌دهند، غافل ماند. با یدیه‌ها و توضیح دادن انتشارات توده ای مبادرت ورزید" (متون نظامی) و چه‌گوارا خود در این راه گام برداشت، در زمان اشغال ایالت ما گوتنه "بسا سندیگا های کارگری و روستائی منطقه تما سی برقرار کرد و حتی شرکتها و تشا وئی محلی کارگران کشا و رزی را تاسیس نمود (تا مه چه‌گوارا به کارسترو ۳۰ سپتامبر ۱۹۵۸). در واقع چه‌گوارا را بینه بین جنگ چریکی و توده‌ها را رابطای دیا لکتیکی می بیند و آنرا اتحادی را گانیک تصویر می کند: "همگا می و همراهی واقعی بین رهبران که در عمل، اهمیت اساسی مبارزه مسلحانه را به خلق تعلیم میدهند و خلق که در مبارزه رشد می‌کنند و به توبه خود لزم و پرا تیک رانه رهبران نشان میدهد. . . . این همراهی و همگا می بین چریک و خلق، در بنیادی - کردن تدریجی (مبارزه) ظاهر میشود که کم کم خصیصه‌های انقلابی جنبش را تشدید می‌کند و با ید ملی به آن عرضه می‌کند" - (متون نظامی).

اهمیت تئوریهایی نظامی چه‌گوارا - بحدی است که تئوریهایی دیگرش را در جنبه‌های مختلف تحت الشعاع قرار داده است. چه‌گوارا در "انسان و سوسیالیسم در کوبا" و نیز در دیگر مقالات سیاسی ایدئولوژیکی خود، با ارزیابی ما رکیستی از یدیده‌های اجتماعی، درک عمیقش را از ما رکیسم - لنینیسم نشان میدهد، و چپسی

چه‌گوارا، این براتیسین و تئوریسین بزرگ جنگ انقلابی که فرصت طلبان به عدوی زاماجرا و فوق یک براتیسین انقلاب معرفی می‌کنند و مرگ اش را سرود مرگ - مبارزات مسلحانه در آمریکا لاتیسن میخوانند، به گفته هم رزمش، فیستدل کا سترو، "تجسمی است از بی نظیرترین و با کترین روحیه انتزاعی سیمونا لیستی که هفت مشخه کنوئی جهان و با زیستش در جهان فراد می‌باشد".

چه‌گوارا، یک ما رکیست - لنینیست یک رهبر سیاسی - نظامی و با لاترا زهمه اینها یک انسان بود، یک انسان طراز نوین، یک کمونیست و نمونه ای از تعهد کامل به آرمان واقعی انسانها. او سمبل نسل انقلابی عصر ما بود که در پیا سخ به بی عملی و خیا نتها ای حزب کمونیست سنتی در جوامع و وابسته شکل گرفت.

چه‌گوارا، انسان تایی بود که زندگی را در انقلاب می‌دید و خود را ای همان مفا تسی بود که برای فردا انقلابی در حزب برمی شمرد: "موتور آگاه انقلاب که تا بسد مبارزه کند تا عشق خود را به بشریت بسا کرد ا رها می‌شخص به منصف ظهور رساند، کرد ا رها می‌شخصی که سر مشق مردم و عمل کرد اش را بسیج توده‌های خلق می‌باشد".

چه‌گوارا، این پزشک آرژانتینی که پس از برخورد با کا سترو بعنوان پزشک "گانون چریکی" انتخاب شد و تا فرماندهی یکی از مهمترین جبهه‌های انقلاب رسید، به دانش ما رکیسم - لنینیسم مسلح بود، چه‌گوارا از تجربه و تحلیل موقعیت اقتصادی - اجتماعی آمریکا لاتین، از تجربه شخصی خود در کوبا (تا اواخر ۱۹۵۲ - سال خیا نت ارتش به جنبش توده‌ها و سپردن کشور به مزدوران کمپانیسی کوبا بند فروست) و نیز تجربه پیرومندان خود در کوبا به همان نتیجه حاصل از تجربه کمون پارسی و انقلاب روسیه رسید: انقلاب زحمتکشان باید ما شین نظامی سیاسی بورژوازی را درهم شکند. "اگر قبول کنیم که دشمن برای ما قیام کردن در قدرت مبارزه خواهد کرد، با یدنا بودی ارتش ظالم و مستمگرا مورد توجه قرار داد و برای نابود کردن آن با یدقا در شد که یک ارتش توده ای را در مقابل آن گذاشت" (متون سیاسی ص ۸۳).

تئوری جنگ چریکی چه‌گوارا، برپایه همان تئوری "جنگ ادا مه سیاست است ولی به شکلی دیگر" استوار بود. چه‌گوارا جنگ چریکی را نه جنگ اقلیتی با رتیزان علیه ارتشی پیرومند که بسر عکس، جنگ تما می توده‌ها علیه استثمار - گران و مستمگران می‌داند چه‌گوارا در "جنگ چریکی یک شیوه"، در انتقاد به کسانی که می‌خواهند به جنگ چریکی بپردازند ولی مبارزه - توده‌ها را فراموش می‌کنند، می‌نویسد:

در مقاله یتحت عنوان "مفهوم مبارزه - رزی و سوسیالیسم" با تکیه بر روشی که برای قضا دسایی ما رکیستی در مبارزه با سکوئی به بنیادیم بر ما بد، چه‌گوارا همین دیدگا ه را با انقلاب کوبیسا بهنگا م مدیریت امورا قضا دی وضعی حکومت انقلابی کبار می‌گیرد و بدین ترتیب وظیفه اش را به انقلاب در روستا های یدیکردنسا می‌سند و ثابت می‌کند که نه تنها یک حرکت انقلابی، بلکه بسبب تئوریسین رهبر سیاسی برجسته است اما چه‌گوارا یک انتزاعی سوب نیست بود و توان انقلابی اش را نه تنها در خدمت به کوبا ای انقلابی بلکه در خدمت به سلات ها ی رها تی بخش جهان می‌دید. و بر اساس همین دیدگا ه انتزاعی سونا لیسیم در رزی بود که علیرغم وجود اشراقائی در یدناش منبسی بر تعمیم مکا نسکی تجربه کوبا بولیبوی رفت و با مبارزه و مرگ خود حماسه ای یدیکر آفرید.

چه‌گوارا، در کتاب "انسان و سوسیالیسم در کوبا" در باب وظایف فردا انقلابی به مثابه موتور آگاه انقلاب می‌نویسد که وظیفه فردا انقلابی "فقط با مرگ او با یان می‌گیرد و یا دست کم تا زمانیکه ختمان سوسیالیسم به مقیاس جهانی تا ثل گردد، هرگا ه مبرمترین وظایف فردا انقلابی در مقیاس محلی تحقیقا فتند و در وجود و بور انقلابی اش فروکش نماید، هرگا ه انترناسیونالیسم پیرویشری را از یدنا ببرد، آننگساره نقشی را که به مثابه موتور تحریک انقلابی که ا رهبری می‌کند، با یان می‌باید و بسند و رطه رخوت راحت طلنی سقوط می‌کند. . . . انتزاعی سونا لیسیم پرولتری یک وظیفه است زیرا یک ضرورت انقلابی است. این آموزش که ما تا تبه خلق خود دنیا موریم، فیدل کا سترو "در بنیگفتا ری بسر خاطرات" چه "در بولیبوی" می‌نویسد که چه‌گوارا مرگ خود را امری طبیعی و محصل می‌داند اما هنوز ا رها تا کیددا ست که این احتمال، بسبب احتجاب تا ید انقلاب در آمریکا لاتین را کند نخواهد کرد. پیا م خود به کنگره سه قاره افکارش را بسر صورت بیان داشت: "هر قدم که برداریم اعلام جنگی است علیه امپریالیسم. . . . هر آنگاه که مرگ ما را غافلگیر کند، بگذار آنرا خوش آمدگوئیم مشروط بر آنکه فریا دسپردها در گوش شنوا شی و ما را با ید دست یدگری به پیش آید تا اسلحه ما را بدست گیرد".

نه سازش نه تسلیم نبرد با آمریکا

باند های سیاه

بقیه از صفحه ۱۴

حزب الله و یا حمایت پاسداران به خون کشیده می شود. دکهداران حزب الله و پاسداران را زود در روی خود می یابند. کارگران در هر تخصص و اعتماد شاهند همکاران حزب الله و پاسداران در سرکوب حرکتشان هستند. دانشگاهها توسط حزب الله به خون کشیده می شود. مدارس مورد یورش حزب الله قرار می گیرند کتا بخانه ها و دفاتر نشریات و روزنامه ها و دفاتر نشری و نهادهای انقلابی همه و همه با همدستی حزب الله و پاسداران مورد حمله واقع می شود. همچنین توده ها هر روز شاهدند که چگونه نیروهای مترقی مورد یورش حزب الله و پاسداران قرار دارند. میتینگها و تظاهرات سرکوب میشود، فروشندگان نشریات و دکهداران انقلابی مورد ضرب و شتم حزب الله قرار می گیرند و ...

بدین طریق توده ها هر روز بیشتر درمی یابند که چگونه باندهای سیاه موسوم به "حزب الله" بعنوان نهاد سرکوبی سازمان یافته در کنار سپاه پاسداران سر ما به و کمیتها و در مقابل خلق قرار داد و در می یابند که حزب الله جز منشی او باش اجیر شده و گروهی پاسدار و بسیجی نیست که در سالها زمانه هندگان حزب جمهوری اسلامی قرار دارند. پاسداران و توهم توده ها، حزب جمهوری اسلامی بیش از پیش بسوی سازماندهی و تشکیل بیاند های سیاه روی می آوردند اینجاست که شاهد شدیدی روز افزون حضور حزب الله بعنوان یک نیروی سرکوبگر در سطح جامعه هستیم. و حتی در اعلامیه مجاهدین انقلاب اسلامی بمناسبت سالروز اعلام جودیتش میخوانیم "امسال باید سال جا افتادن کارتشکلاتی در ذهن جامعه ... سال پرورش کاردهای همه جانبه ایلامی، سال سازماندهی مردم (ا) سال نظم و قدرت تشکلاتی اسلامی باشد. بخوبی روشن است که حزب جمهوری اسلامی و گروه نظامی تحت فرماندهی اش چگونه بر لزوم بنا کردن بیشتر تشکلات باندهای سیاه که بتامردم خود اندیشه می شود و سازماندهی آن و پرورش کاردهای "مغرب جهشت رهبری سرکوب و ترور تا کید می کند و در

جای دیگر بخوبی روشن می کند تا زمانی که مبارزات توده ها چهار رچوب نظرسم بورژوازی را می شکنند یا بدیه سرکوبی در خارج از این چهار رچوب قانونی، به سرکوب توسط باندهای سیاه حزب الله متوسل شد. "حقیقت اینست که تا زمانیکه اراده و خواست اکثریت مردم، از طریق قانون با قاطعیت اعمال نشود حضور و شرکت موثر و مداوم خود مردم در جریانها جا معه و مقابل با فرصت طلبی ضرورت دارد. در اینجا ست که روشن میگردد چگونه حزب با ما هیت بورژوا نیش که از حضور مردم در صحنه وحشت مرگ دارد، خود به نام مردم متوسل میشود، و با نیت توده ها به سرکوب، گشتار و ترور توده ها می پردازد.

گراهی پاک

بقیه از صفحه ۸

جمهوری اسلامی در نهایت بی شرمی از پذیرش رسمی نمایندگان انقلاب عمان و گشایش دفتر نمایندگی به آنها در ایران خودداری کرد و نماینده آنها پس از ماهها تلاش وقتی موفق به اینکار نشدند با وراثت کشور ما را ترک کرد.

این رژیم و قیاحانه از افسشای توافق محرمانه میان رژیم شاه و رژیم عراق در قرائد الجزایر خودداری کرده خویش را متعهد به انجام تمام می آن قرار داد اعلام می کند در حالیکه همواره نیروهای انقلابی منطقه می دانند یکی از مفاد سری قرار داد طرح توطئه مشترک علیه انقلاب عمان است.

سازمان چریکهای فدائی خلق ایران ضمن اعلام این واقعیتها که ناشی از ماهیت ارتجاعی حاکمیت فعلی است بر پیوند خلقهای ایران و عمان علیه دشمن مشترک امپریالیزم جهانی به سرکردگی امپریالیزم آمریکا و پیایگاه های داخلی آن در کشورهای تحت سلطه تا کید می ورزد و سالگرد این روز تاریخی را به خلق قهرمان عمان و جبهه خلق برای آزادی عمان گرامی میدارد.

خلقهای قهرمان ایران صمیمانه آرزوی پیروزی این خلق را دارند.

تهدید به اخراج سه کارمند

هواشناسی بخاطر نداشتن روسری

سه تن از کارکنان سازمان هواشناسی به دلیل نداشتن روسری، در معرض سرکنا ری از کار قرار گرفتند.

روز چهارشنبه سید هم خرداد، خیرچین - های نجمن اسلامی هواپیمائی کشوری به سرپرست و رئیس سازمان هواشناسی اطلاع دادند که عده ای از کارمندان زن در اتاق کار خود، بی روسری هستند و در پی آن، رئیس سازمان هواشناسی بدون خبر وارد اتاق کارمندان مزبور شده و به محض اینکه می بیند روسری های آنها بدرستی موهایشان را نیوشا نده است دستور معلق کردن آنها را بمدت سه ماه صادر کرد.

این حکم بلافاصله از سوی کارمندان دیگر، مورد اعتراض قرار گرفت. از سوی دیگران نجمن اسلامی که حرکت یکپارچه کارکنان معترض را نزدیک می دید به صدور بخشنامه ای اعلام کرد که: "در برابر کسانیکه حجاب اسلامی را مراعات نکنند بشت دست به عمل خواهد زد." اما کارمندان بی اعتنا به این بخشنامه، متحد و مصمم به اعتراضات خود ادامه دادند تا اینکه روز نوزدهم خرداد ما مورین مطلع دادگاه انقلاب اسلامی، برای دستگیری کارمندان آگاه و مترقی، محل سازمان را اشغال کردند. ما موران ز - ۳ بدست از همان آغاز با مقاومت کارمندان روبه رو شدند ولی سرانجام چند تن را بازداشت کردند اما ایستادگی و فداکاری همیسته کارمندان - موجب شد که ما موران دادگاه، کارمندان بازداشتی را آزاد کنند. کارمندان فوق علاوه بر این پیروزی که نتیجه مستقیم اتحاد و همبستگی آنان بود، توانستند مسئولان سازمان هواشناسی را نیز وادارند تا هر چه زودتر حکم صادره در مورد سه تن از همکاران زن خود را لغو کنند. حرکت اخیر کارکنان سازمان هواشناسی و موقعیت آنان، بر روی مجموعه سازمانهای موجود در فردگاه تا شیر مثبتی داشته است.

نامه يك کارگر

بقیه از صفحه ۵

مملکت مرسوم است، تهمت زدن به زحمتکشان است. کدام زحمتکش است که بویاری ۵۰۰ هزار تومان تا یک میلیون تومان داشته باشد. کدام کارگر است که صد هزار تومان یا میلیونها تومان - شروت داشته باشد. کدام کارگر است که روزانه صد تومان میوه بخورد، خریداش در دانشگاهها و کشورهای اروپائی و آمریکا می مشغول تحصیل باشد. کدام کارگر است که سرخرجه روزانه با زنجیرش بگو موند داشته باشد. کدام کارگر است که در دبیرستانها، کارگریک از ۷۳ سالگی

مورداست شما ره احب کاران و رژیم ضد کارگر بوده و هست بعد از ۴۰ سال کسار شما نه روزی هنوز بلامتکلیف است. صاحب کاران و سرما به داران و رژیم ضد کارگری که ۴۰ سال را از ما کشیده اند. این مملکت از اول به همین شکل نبوده، بلکه استخوانهای کارگران این مملکت خرد شده تا به این شکل فعلی رسیده. حالاکه بحدالله نخت وزیر هم هستید، میتوانید از خانه های مسکونی گرفته تا کارهای بزرگ و کوچک را بررسی کنید، تا بفهمید کارگران چقدر زحمت کشیده اند تا مملکت را به این شکل در آورده اند، این کارگران بودند که دل کوهها را سوراخ کردند و با سائل اولیه یعنی بیل و کلنگ برای ما حیان ما شینها، جاده ساختند. این کارگران - بودند که میلیونها ساختمان کلنگی را ویران کردند و از بویاری قایان کاخها

ساختند. این کارگران بودند که چرخ عظیم شرکت نفت و کارخانه ها را خوابانند و باعث شدند که شاه فقط شود و شما به حکومت برسید. این کارگران هستند که در جبهه ها کشته شده و میشوند. این کارگران هستند که از جندارغا زحمتکشان به جنگ زندگان و دولت کمک می کنند، بطور شدحا لا که بعد از این همه تلاش استخوان خردکن و خانمان سوز، اگر کارگری بگوید قانون تکلیف ما را از جهت باز نشستگی، حقوق، ساعت کار، مرخصی سالانه و خواسته های دیگر روشن کند، ضدا انقلاب میشود.

این حرفها تا زگی نداد رد چون زمانی که کارگران اعتماد و تظاهرات میکردند رژیم خونخوار شاه میگفت: اینها عده ای خرابکار بیبش نیستند، شما هم همان را - تکرار می کنید.

بقیه از صفحه ۱

یورش گسترده حزب جمهوری اسلامی مبارزات توده‌ها

حزب طرحی دقیق و برتا به ریزی شده را جهت سرکوب نیروهای مترقی در دست اجرا دارد. اسناد این توطئه در نشریه کاوش شماره ۱۱۲ افشا شد و مراحل متعددی از آن نیز توسط حزب جمهوری اسلامی به اجرا درآمده است. از جمله اطلاعیه صادره از سوی دادستانی کل انقلاب به تاریخ ۶/۳/۶۰ که در آن با "گروههای مسلح غیرقانونی اتمام حجت شده است انجام سخنرانی های متعدد و صدور بیانیه های مبنی بر اعلام آمادگی جهت سرکوب نیروهای مترقی و انقلابی در صورت "فتوای امام" (از جمله سخنان مهدوی کنی در رادیو تلویزیونی نیز که وعده "سرکوب نیروهای انقلابی توسط نیروهای انتظامی را میدهد و یا بیانیه سپاه پاسداران که تهدید به سرکوب نیروهای انقلابی میکند) (جمهوری - اسلامی ۳/۲۰) و... پیشبرد کامل این توطئه سرکوبگرانه منوط به قبضه یکپارچه حاکمیت و برقراری جواختناق و سرکوب است و حزب در هفته های اخیر حرکات خود را جهت آماده سازی زمینه مساعدی برای این عمل تشدید کرده است.

کشمکش شدید جناحهای حاکمیت در مقطع اوج خود، مسائل جامعه و حرکات توده ای را تحت الشعاع خود قرار داده و به حرکات وسیعی در سطح جامعه منجر شد.

ضعیف توده ها در این کشمکش چیست؟ بیش از دو سال حاکمیت جمهوری اسلامی برای توده ها چیزی جز تشدید روزافزون بحران اقتصادی، فشار روزافزون فقر و فلاکت مگرانی و بیگاری، جنگ ارتجاعی و عوارض مصیبت بار آن و... به ارمغان نیاورده است. رژیم جمهوری اسلامی در عوض پاسخ به خواسته های برحق توده

بجای دکار، مهار زدن به گران و تورم و تامین معیشت توده ها به سیاستهای سرکوبگرانه متوسل گشته است. مبارزات توده ها بندهت سرکوب میگردد، نیروهای مترقی و انقلابی تحت شدیدترین پیگرد قرار دارند. ضرب و شتم و ترور و کشتار به مسئله ای روزمره بدل شده است. آزادیهای سیاسی و حقوق دمکراتیک مردم با بحال گشته و سازماندهی توده های تمامی جامعه محکوم است. توده های مردم شا همدند که رژیم جمهوری اسلامی در عین پیشبرد این سیاستهای سرکوبگرانه و ضد خلقی به بازسازی سریع سیستم وابستگی مشغول است و روز بروز بیشتر سرعت نزدیک شدن به امپریالیسم میافزاید. تمامی این عوامل باعث شده است که توده های وسیعی به سرعت توهم خود را نسبت به رژیم حاکم و در رأس آن حزب جمهوری اسلامی از دست بدهند و نا رضایتی آنان اوج بگیرد. دعوی شدید و جناح حاکمیت در شرایط عدم حضور فعال نیروهای مترقی تا ثیرات خود را در صف بندی توده ها به شکل وسیعی برجای نهاده است. توده های وسیعی بر اثر نا رضایتی خود از سیاست

عدم وجود سازماندهی توده ها و غالب بودن حرکات خود بخودی است. نظاهران اخیر، شعارها، شکل حرکت، سرعت برانگیز شدن جمعیت تحت حمله حزب - الله و... بخصوص در روزهای نخست همه بخوبی نشان داد که حرکات توده ها عمدتاً "بی سازمان است. این عامل - نتایج بسیاری را به دنبال خود دارد، هرگاه این بی سازمانی تداوم یابد امکان دارد لیبیرالها و حتی محافظان بورژوازی انحصاری شعارهای توده ها را تحت کنترل خود در آورند و میسر از آنرا به انحراف بکشانند. حرکات توده ها در اثر حملات نیروهای سرکوبگر بسیار سریع و بدون کوچکترین مقاومتی برپا کننده میگردد، روحیه توده ها بر اثر عدم وجود قدرت مقابله به سرعت تضعیف میشود، بسیاری از مردم با وجود نا رضایتی شدید خود، جذب این حرکات پراکنده بی سازمان نمیگردند

.....
اما از سوی دیگر حزب جمهوری اسلامی نمایی از سازماندهی دستجات و گروه های سرکوب را عرضه کرد. حزب هر روز که میگردد بر اثر از دست دادن یا نگاه توده ای خود به سازماندهی هر چه وسیعتر سرکوب روی میآورد. با ندهای سپاه موسوم به حزب الله، کمیته ها، سپاه و بسیج همه وهمه در این رابطه روز بروز منسجم تر گشته نیروی بیشتری را تحت سازمان خود در میآورد. حزب با استفاده از تحرک، تشکل دستجات - سرکوبگر خود توانست در روزهای اخیر سرکوبی وحشیانه و بی رحمانه را شکل دهد. ضرب و شتم، دستگیری و ترورهای سپاه در روزهای اخیر نمایی از سیاست سرکوبگرانه و وحشیانه حزب جمهوری اسلامی بود. بطور خلاصه میتوان گفت در یکسوز حزب جمهوری اسلامی با نیروهای سازمان یافته، باندهای سپاه حزب - اللهی و... و در سوی دیگر بخشی از توده ها که در وجه عمده بی سازمان و بدون هدف و شعار مشخص، بر اثر نا رضایتی و جهت مقابله با حزب به میدان آمده اند. بخش عمده ای از توده ها نیز به نظاره این حرکات مشغولند.

رفقا، هواداران،

نیروهای مترقی و انقلابی!

در این لحظات حساس بیش از پیش ایستادگی و وظایف انقلابی ما روشن میگردد.
۱- با بدبیا تمامی نیروها و رهای انقلابی - اما نه را به درون تظاهرات، اعتراضات و میا رزات توده ها ببریم. در تظاهرات، در حرکات خیابانی و در هر کجا که توده ها به اعتراض و میا رزه مشغولند فعلاً آنسه شرکت کنید، توده ها را سازمان بدهید و با بردن شعارهای انقلابی به میان آنان مبارزاتشان را سمت و سوهید. اینک توده ها نوک تیز حملات خود را به

های سرکوبگرانه حزب در مقابل آن موضع گرفته و به شیوه های متفاوتی به اعتراض پرداختند. در این میان لیبیرالها سعی دارند بر امواج ناراضی توده ها سوار شده تا راه از دست خود بدل سازند. حرکت لیبیرالها با حرکت سنی صدور ارگانهای تحت اختیارش در شکل حمایت از بنی صدور "انقلاب اسلامی" متبلور شد و حتی منجر به تظاهرات خیابانی و همچنین اوجگیری بحث ها و درگیری ها گشت. اما با حرکت محاهدین خلق توده های وسیعتری - (عمدتاً "در اعتراض به سیاستهای ضد خلقی حزب و نه در حمایت از لیبیرالها) به میدان آمدند و تظاهرات و اعتراضات ایستاد و وسیعتری گرفت.
اما در این میان توده های وسیعی نیز موضع نظاره گر را ایفا میکنند. این عده از طبیفهای گوناگونی تشکیل میگردد. توده هایی که نسبت به هیچیک از دو جناح حاکمیت متوهم نیستند اما به راه حل انقلابی مسائل نیز آگاهی ندارند. توده هایی که از درک تغییرات و تحولات سریع عاجزند، و همچنین قشار محافظه کاری که در اثر فشار روزافزون در مقابل حاکمیت قرار دارند اما حاضر به انجام حرکات اعتراضی نیستند. از سوی دیگر حزب جمهوری اسلامی با استفاده از نفوذ خمینی عفت مانده ترین اقشار توده ها را بخود جلب نمود. که حضور این توده ها در مراسم ۱۵ خرداد و... نشان دهنده سازماندهی توده های مردم نسبت به آیت الله خمینی است. حزب در عین برگزاری این نمایشات به سرکوبی متمرکز و وحشیانه دست زد. دستجات حزب اللهی، پاسداران، کمیته جی ها، بسیجی ها همه وهمه در روزهای اخیر به وحشیانه ترین شکل در خیابانها جولان میدهند. دست به ضرب و شتم و دستگیری و حتی ترور میزنند و بدین طریق سعی در اعمال سیاستهای حزب دارند. نکته ای که بیشتر از همه در درگیریها و راهپیمایی های اخیر جلب توجه مینماید.

بقیه در صفحه ۱۸

رهبری طبقه کارگر ضامن پیروزی مبارزات ضد امپریالیستی - دموکراتیک خلقهای ایران است

یورش گسترده حزب ...

بقیه از صفحه ۱۳

درستی بسوی حزب جمهوری اسلامی نشانه رفته اند، اما لیبرالها سعی دارند بر این موج سوار شوند، با دیدن طرحهای انقلابی در عین تقویت و سازماندهی این مبارزات به افشا و منفرد کردن لیبرالها بپردازیم. اگر لیبرالها شعار "انقلاب اسلامی آزادی را بیدگردد" را میدهند ما شعار "آزادی مطبوعات به همت توده ها تا مین بیدگردد" را به میان توده ها میبریم. در مقابل شعار "درود بسوی بنی صدر، سلام بر آزادی شعار" آزادی سیاسی تا مین بیدگردد، "سانسور، اختناق، شکنجه نابود بیدگردد" را طرح میکنیم. و کلاً با طرح شعارهای انقلابی چون "زندانی سیاسی آزادی بیدگردد، شکنجه و اختناق نابود بیدگردد"، "انقلاب، انقلاب، هنوز ادامه دارد، چوب جملاق شکنجه دیگر اثر ندارد"، "ترور شکنجه زندان، حربه غارتگران، آزادی سیاسی شورای انقلابی، شعار زحمتکشان و ...".

بسا طرح شعارهای انقلابی مبارزات توده ها را ارتقاء داده و در عین زیر ضرب گرفتن رژیم و حزب جمهوری اسلامی، لیبرالها را افشاء کنیم. مسلمانان اجرای این رهنمود بشکلی گروهی و در دستجات منسجم چند نفره به بهترین شکل میسر است. با دیدن شعارها را بدقت در رابطه با محل و جو خاکم بر تظاهرات انتخاب نمودن بهترین تأثیر را داشته باشد.

۲- با تشدید فعالیتهای تبلیغی به پیشوا مبارزات او جگیرنده توده ها بشتابیم.

رفقا!

اینک در لحظات حساسی بسر میبریم. تنها با حضور فعال در صحنه مبارزاتی توده ها میتوان از بهر زرفتن انرژی انقلابی خلق و از به انحراف کشیده شدن مبارزات توده ها جلوگیری نمود. و این ممکن نیست مگر با تشدید فعالیت های تبلیغی. اینک تبلیغ شفاهی نقشی عمده یافته است. تبلیغ شفاهی قیام است. تمامی توده ها با هر سطح آگاهی را مورد خطاب قرار دهد. با دیدن هر کانون مردمی در هر کجا که توده ها حضور دارند، در تاکسی، اتوبوس، صف گوشت و نان، پای شیراب، داخل نمازه، سرگذرو در هر کجا که توده ها هستند به تبلیغ شعارهای انقلابی پرداخت ... در عین حال تمامی رفقا موظفند بشکلی فعال توزیع هر چه گسترده تر تراکت ها، اعلامیه های سازمانی و نشریه کار را در دستور کار خود قرار دهند.

رفقا! با بیدرگونه سستی و رخسوت رابکناری نهاد دوبه استقبال مبارزات او جگیرنده توده ها شتافت. تنها حضور فعال، پیگیری و سازمان یافتن تا قدر است توده های هر چه وسیعتری را به میدان کشیده مبارزات خلق را سازمان داده و جلوی برقراری اختناق، خفقان، و سرکوب یکپارچه را سد نماید.

تظاهرات گسترده و ...

از صفحه ۱۹

خیا با نهایی طرف دانشگاه تهران، فردوسی و سید خندان نیز در گریه های شدید رخ داد. در تظاهرات سید خندان تعداد بسیار زیاد آنچنان زیبا دید که صحنه های حکومت نظامی شاه را با غلطی آورد و تیراندازی چنان سنگین و مداوم که مردم خیا با نهایی طرف را به روی پاها کشانده بود.

در این روز حرکت سازمان یافته حزب اللهی ها، تحت حمایت بسیار از ان، کاملاً مشهود بود. نیروهای هوا دار سازمان - مجاهدین خلق و مردمی که میخواهند از آزادی سیاسی دفاع کنند، در تظاهرات میدان ولی عصر مورد دیورش و خیا با نهایی حزب اللهی ها قرار گرفتند. زنان بسیار روحیه جمعیت بودند، با شناسائی شرکت کنندگان در تظاهرات، بطرف آنها می رفتند و دستگیرشان می کردند. در این روز تعداد با زدا شتیها بسیار زیاد بود، و آنها را با مینی بوس و اتوبوس به جایی که شایع بود استادیوم آزادی است میبردند. عموماً در دستگیریها حمایت مردم از فرد دستگیر شده همراه بود. در یک مورد مردم اتوبوس حامل با زدا شتیها را در سه راه جمهوری متوقف کردند و با شکستن شیشه های آن، دخترانی را که دستگیر شده بودند آزاد کردند.

روزیکشنبه ۲۴ خرداد

تظاهرات مختلف و پراکنده در نقاطی از شهر مثل چهار راه استانبول

هدا به پرسنل شهربانی: در مقابل مبارزات توده ها قرار نگیرید!



پرسنل شهربانی! اینک توده های مردم در مقابل سرکوبهای رژیم جمهوری اسلامی و سیاستهای ضد دموکراتیک و در بر فشار فقر، گران، بیکاری و آوازی بسیار خسته اند. و رژیم در مقابل این عمل نیروهای سرکوب خود را به میدان آورده است. اکنون با داران، کمیته های، بسیجی ها و دستجات فالانژ حزب اللهی به کشتار، ترور، ضرب و شتم و دستگیری توده ها مشغولند. رژیم قمدا و دشمنانی را در جهت سرکوب مبارزات خلق بکسار گیرد و بیمن خاطر در روزهای اخیر کامیونهای کار دشمنانی را با تجهیزات کامل به خیا با نهایی آورده است.

پرسنل شهربانی!

فرماندهان مزدور شما در خدمت رژیم سرکوبگر جمهوری اسلامی قرار دارید و از مسافع سرمایه داران و زمینداران حمایت میکنید. اما شما پرسنل شهربانی اکثریت قریب از زحمتکشان، کارگران و دهقانان هستید. اینک که رژیم میخواهد شما را در مقابل توده ها قرار دهد و راهی بی شمس است. اگر فرماندهان مزدور شما را از اجرائیه و در مقابل مبارزات خلق قرار نگیرید و به سرکوب آن سر باز نزنید، خلق با شما چون مزدوری که به حمایت از رژیم خلقی جمهوری اسلامی بسر خاسته و فشار خواهد کرد. کما فیست سرنوشت تنگین ما موزان مزدوری که در دوران قیام به سینه خنق آتش گشودند و با زین و قوزبان دلبر خلق را دستگیر کردند با طریقاً و بی راه دیگری سرور داده اند. شما نمیتوانید در جهت مبارزات توده ها قرار نگیرید. از دستورات ضد خلقی فرماندهان خود سرپیچی کنید. از شلیک بسوی توده ها و از قرار گرفتن در مقابل آنان بپرهیزید. کلون، تفکیکهای را که از دسترس این مردم خریداری شده است و برای دفاع از مسافع آنها به کار روده بسوی زحمتکشان و مبارزان شلیک نکنید و رژیم را با سرپیچی از فرمان سرکوب خلق متامل کنید.

پرسنل شهربانی!

با ایجاد شکل های انقلابی، با برقراری اوضاع مخفی، بصورتی یکپارچه در مقابل فرماندهان مزدور و فرماندهان ضد خلقیتان استادگی کنید.

سازمان چریکهای فدائی خلق ایران

۶۰۳۲۵

نظا هرات گسترده و خشونت بار در تهران

سند ارتش

حزب جمهوری اسلامی انگ شغری -
خود بر یکتا طل قدرت رسد
بر کسند سینه در در مجموع لیسو الیا
گلسد سب های احرانی بطور گسترده ان
آغا ر کرده است. سن ارتک حقه است که
سپران با هدیظ هرات و در کسرت سبای
سندی بوده است. جو سیه دور ان تمام
را ساد می آورد و موج اعتراض مردم سه
سرکوب و احسانتی که بیس رویی سسند،
حرکت و وسیع بوده ایرا در حتم اندار محم
می کند. اس حرکت اعتراضی و نظا هرات
در سبازی ر سب سبها سب سبها ان دانسه
است که ایرا سب آسبازا در سبازده سبای
آسده سبکس جوا هم کرد.

• روز یکشنبه ۱۷ خرداد

حکم سوبت سب روز سب ما علام سب. اس
روز سب آتا حرکت با اعتراضی، نظا هرات،
در کسرت سب، سب کسرت سب و سب سب سبای
و حسانه فالانرها و سب سب ان سب
ارتض دو سب سب سب سب سب سب سب
حساب سبای حاط، مطهری، صدق، انقلاب،
فردوسی، سب سب سب سب سب سب سب
مرضوق (محموس)، سب سب و سب سب سب
که آرا سب سب سب سب سب سب سب سب
با سب سب سب سب سب سب سب سب سب
کردند. حر که سب سب سب سب سب سب
و سب سب سب سب سب سب سب سب سب
آرا سب سب سب سب سب سب سب سب
سب سب سب سب سب سب سب سب سب
صبح دو سب سب سب سب سب سب سب
سرکوبی آرا سب سب سب سب سب سب
احسان ارتضو سب سب سب سب سب
مطهری حرکت کردند. در ان سب سب
بحسم آمده، سب سب سب سب سب سب
و سب سب سب سب سب سب سب سب
را سب سب سب سب سب سب سب سب
حمی سب سب سب سب سب سب سب
جلو سب سب سب سب سب سب سب
در کسرت سب سب سب سب سب سب

سب سب سب سب سب سب سب سب
دا ده سب سب سب سب سب سب سب
سب سب سب سب سب سب سب سب
سب سب سب سب سب سب سب سب
سب سب سب سب سب سب سب سب
سب سب سب سب سب سب سب سب
سب سب سب سب سب سب سب سب

• روز سه شنبه

نظا هراتی در میدان انقلاب، میدان
راه آهن، تنان جمهوری و چند سب سب
در اعتراض سب سب سب سب

• روز چهارشنبه

در سب روز در کسرت سب سب سب
در میدان سب سب سب سب سب
سب سب سب سب سب سب سب
سب سب سب سب سب سب سب
سب سب سب سب سب سب سب
سب سب سب سب سب سب سب
سب سب سب سب سب سب سب
سب سب سب سب سب سب سب
سب سب سب سب سب سب سب
سب سب سب سب سب سب سب
سب سب سب سب سب سب سب
سب سب سب سب سب سب سب



نقری در حسان های انقلاب صدق، -
سلوار کسرت و روز و طالق سب در حرکت بودند.

• روز جمعه

اعتراضات حسان سب سب سب
و سب سب سب سب سب سب سب
اعتراضی سب سب سب سب سب
انحیان و... در کسرت سب سب
النهیها و مردم جوانان آرا سب
حمیه سب فالانرها سب سب سب
جمله می کسب سب سب سب سب
سب سب سب سب سب سب سب

• روز شنبه ۲۳ خرداد

مندان ولی عسرو حسان صدق ارت -
حدود سب سب سب سب سب سب
نظا هرات گسترده و وسیع بود. هرات ان
نقرو در ان نظا هرات سب سب
سب سب سب سب سب سب سب
سب سب سب سب سب سب سب
سب سب سب سب سب سب سب
سب سب سب سب سب سب سب
سب سب سب سب سب سب سب

را و ادار سب سب سب سب
در ان روز در کسرت سب سب
حندان سب سب سب سب سب
النهیها، دو نفر که سب سب
معا سب سب سب سب سب سب
مسنوبند. در حسان ان انقلاب سب
صورت کسرت و فالانرها که سب سب
مذهب و اخلاق از سب سب سب
ان سب سب سب سب سب سب
سب سب سب سب سب سب سب
سب سب سب سب سب سب سب
سب سب سب سب سب سب سب

• روز پنجشنبه

جوریت و وحس سب سب
فالانرها سب سب سب سب
اس روز در کسرت سب سب
ها در میدان ولی عسرو سب
سب سب سب سب سب سب
در حسان های فالانرها سب
حکومت سب سب سب سب
سب سب سب سب سب سب
سب سب سب سب سب سب
سب سب سب سب سب سب

